

زندگی مشترک و رابطه ی جنسی قبل از ازدواج

(آیا در بایبل درباره ی آن صحبتی شده؟)



محتوا

بخش اول: ازدواج و تعهدات- طراحی یک فضای امن

- ازدواج به عنوان یک تعهد
- مولفه های افقی و عمودی یک تعهد
- مشخصه های یک تعهد- برنامه ریزی عروسی
- ازدواج و سکس
- ازدواج و باکرگی
- ازدواج و زنا
- جشن گرفتن صمیمیت جنسی

بخش دوم: زندگی با هم- ارزیابی گرایش های اجتماعی

۱. لازم است واقع بین و محتاط باشیم.
۲. لازم است دریابیم که آیا سازگار هستیم یا نه.
۳. حس می کنیم که در حال حاضر با هم زندگی کردن مناسب ترین گزینه است.
۴. قصد جدی برای ازدواج داریم.
۵. از نظر ما زندگی مشترک موقت ایده آل نیست، ولی گناه نیست.
۶. باید نسبت به تغییرات فرهنگی منعطف باشیم.
۷. ما کامل نیستیم، ولی، هیچ کس کامل نیست.
۸. حس می کنیم که در حال حاضر زندگی مشترک راه خدا برای ماست.
۹. ما صمیمیت جنسی داریم ولی بدون آمیزش.
۱۰. ما با هم بدون رابطه ی جنسی زندگی می کنیم.

بخش سوم: زمان عمل - ساختن مکان امن خود

- اگر ارزش انجام دادن را دارد، ارزش شروع کردن را هم دارد.
- سکس، روح ها را یکی می کند.
- آنچه روشن است و آنچه که به روشن شدن نیاز دارد را جدا کنید.
- انتخاب لحظه ی ازدواج - ازدواج دو مرحله ای
- زندگی مشترک یک موضوع شخصی است - کلیسا نباید دخالت کند.
- اخیرا زندگی مشترک دارید؟
- زندگی مشترک دراز مدت؟
- یک نمونه ی مشوق
- اطاعت کردن از خدا یا دولت؟
- می تواند پیچیده باشد! کلیسا می تواند به شما کمک کند.
- اقرار علنی؟ انضباط کلیسا؟

نتیجه

سلام به برادران و خواهرانی که مشتاق هستند که تمام زندگی خود را بر پایه‌ی خواست خداوند پیش ببرند.

بسیار خوشحالم که خداوند از من به عنوان خادمی برای فرزندان خود استفاده کرده است و می‌توانم، حتی ذره‌ای، به برادر و خواهرانم خدمت کنم. نویسنده‌ی این کتاب، Philip Nunn، را یک بار در کلیسایی که می‌رفتم ملاقات کردم. بعد از یک موعظه‌ی فوق العاده به همه اعلام کرد که تعداد زیادی از کتاب‌هایش را آورده است تا هر کس می‌خواهد بردارد. چیز جالبی که نظرم را جلب کرد این بود که به جای اینکه قیمت، روی کتاب‌ها بچسباند گفت که فرض کنید قیمت هر کتاب ۵ یورو است، حال مقداری را که جمع کتاب‌های شما می‌ارزد به هر شکلی که می‌توانید برای خداوند و در راه مسیحیت خرج کنید. وقتی کتاب‌ها را نگاه می‌کردم و موضوعات متنوع و جالبشان را می‌دیدم با خودم فکر کردم چه قدر جای این کتاب‌ها در منابع مسیحیتی ما خالی است. آنچه که در دسترس ما ایرانیان است بیشتر محدود به موضوعات بدوی و پایه‌ای مسیحیت است. اما علاوه بر دانستن ارزش کار عیسی مسیح، درک کردن فیض بی اندازه‌ی خداوند و اهمیت محبت و بخشش، پیاده کردن تمام این‌ها در زندگی روزمره‌مان هم از ارزش بالایی برخوردار است؛ دانستن اینکه بعد از تولد دوباره، در برخورد با شرایط مختلف چطور زندگی کنیم که خداوند را جلال دهیم و در مسیر خواست و اراده‌ی خدا حرکت کنیم. تمام این‌ها باعث شد که تصمیم به ترجمه‌ی این کتاب بگیرم و امید دارم همانطور که من از این کتاب برکت گرفتم شما هم برکتش را دریافت کنید.

ترجمه‌ی این کتاب تجربه‌ی اول من در ترجمه بود و حقیقتاً موقع شروع آن مضطرب بودم؛ اما این را می‌دانم که آن روز در کلیسا روح خداوند بود که مرا به سمت آن کتاب‌ها برد و فکر ترجمه را در ذهنم روشن کرد. خداوند از توانایی‌های ما هر چند کوچک و ناچیز در نظرمان آیند برای جلال ملکوت خود استفاده می‌کند. وقتی چندتا از کتاب‌ها را برداشتم و گفتم که آن‌ها را ترجمه خواهم کرد، دعا کردم و از خداوند خواستم که مرا در این کار با روح خود پر کند تا نه آنچه که من می‌فهمم بلکه آنچه خداوند در نظر دارد و از زبان این مرد برای ما آشکار کرده است منتقل کنم.

پیشنهاد می‌کنم که قبل و حتی حین خواندن این کتاب دعا کنید و از خداوند بخواهید آنچه را که او برای شخص شما در نظر دارد در پس کلمات این کتاب برای شما نمایان کند. من معتقدم که کلام خدا با هر کسی به یک شیوه‌ی منحصر به آن فرد حرف می‌زند. برای اینکه گروهی را به حرکت به سمت راست هدایت کنی، لازم است به کسی که خود در جهت راست در حال حرکت است بگویی مستقیم راهت را ادامه بده، به کسی که به سمت چپ می‌رود بگویی دور بزن و در جهت عکس برو، یا اصلاً به کسی که ایستاده است بگویی شروع به حرکت کن و به کسی که فقط به این طرف و آن طرف می‌دود بگویی که چند لحظه بایست و به اطرافت نگاه کن و موقعیتت را شناسایی کن.

در آخر لازم است اشاره کنم که برای آیه‌هایی که در متن به آن‌ها اشاره شده است از ترجمه‌های متفاوتی استفاده کرده‌ام از قبیل هزاره‌ی نو، مژده برای عصر جدید، ترجمه‌ی معاصر و ترجمه‌ی قدیم؛ به این شکل که هر چهار ترجمه‌ی هر آیه را می‌خواندم و ترجمه‌ای که بهتر منظور آیه را می‌رساند و ارتباط آیه با آن بخش کتاب را بهتر نشان می‌داد انتخاب می‌کردم. همچنین کلید واژه‌ای که به کرات در متن از آن استفاده شده، "زندگی مشترک" است. منظور از آن، زندگی زن و شوهر نیست بلکه با هم زندگی کردن یک زن و مرد بدون تعهد در یک خانه است (مثلاً با هم زندگی کردن دوست دختر و دوست پسر).

ث.ش

پیش گفتار

لطفا این مقدمه را بخوانید. من این کتاب را نوشتم تا به کسانی که با تمام وجود به دنبال نظر خداوند درباره ی آینده ی روابطشان هستند کمک کنم. نه، من تلاش نمی کنم که برنده ی یک بحث باشم، یا اینکه شما یا کسی را که ممکن است با نتیجه گیری من موافق نباشید قضاوت کنم.

من و همسر Anneke، ۴ تا بچه از ۱۸ تا ۲۶ سال داریم. دختر بزرگترم ازدواج کرده و دختر دومم هم دو ماه بعد ازدواج می کند. من به عنوان یک پدر با عشق و نگرانی برای فرزندانم می نویسم. لطفا شما هم به این شکل بخوانید. بله، من در تلاشم که شما را قانع کنم که ازدواج، و نه زندگی مشترک بدون ازدواج، راه خداوند است و طرح خداوند برای ازدواج خیلی زیباست؛ و اینکه ازدواج متعهد ارزش صبر کردن و بعد وارد آن شدن را دارد.

وقتی خداوند نظر خود را در کلامش آشکار می کند، این کار را نمی کند که زندگی را برای ما سخت تر کند. وارد شدن به یک ازدواج متعهد شامل محدودیتها و وظایفی است - ولی این ها به منظور بارهایی بر دوشمان نیست. تمرکز در هر رابطه ی عاطفی جلوگیری از اشتباهات نیست بلکه در پی خشنود کردن کسی بودن است، کسی که دوستش داریم. وقتی بی قید و شرط دوست داشته می شویم و در عوض ما هم عشق می دهیم، با این حال باز هم وظایف، به اصول و تلاش نیاز دارند - ولی آن ها باری گران نیستند (اول یوحنا ۳:۵). به محض اینکه عمیقا از این فضای عشق، فیض و پذیرش آگاه می شویم، مشتاق خواهیم بود که در محدودیت های داده شده توسط خدا بمانیم، همان طور که پولس رسول نوشته است، "عشق کامل کننده ی شریعت است" (رومیان ۱۰:۱۳)

این کتاب را با دقت بخوانید. دعاکنان بخوانید. بگذارید که روح القدس فهمتان از کتاب مقدس را روشن کند، به قلبتان گرمی ببخشد تا با آگاهی به خداوند و عشق بی قید و شرطش اعتماد کنید، و بعد، بگذارید به شما قدرت و قوت ببخشد تا مطابق آن عمل کنید. این دعای من برای شماست.

پذیرش اجتماعی زندگی مشترک و رابطه ی جنسی قبل از ازدواج از گرایشات مدرن است ولی مفهوم ازدواج به اندازه ی تاریخ بشریت قدمت دارد. در نوشتن این کتاب من مدیون بینش ها و نگرش دیگران هستم. در اینجا به صورت ویژه از Gerard, Mariska, Rutger Maarten, Jean, Peter, Syste Anna, Liliane, Moniek, Vic و Malue همچنین از Martin باز هم ممنون برای شفاف سازی های خلاقانه ات! دوستشان دارم.

ژانویه ۲۰۱۷

بعضی از افراد شروع به فعالیت جنسی می‌کنند چون به رابطه‌شان متعهد هستند و در آینده‌ی نزدیک برنامه‌ی ازدواج دارند. خداوند این را چطور می‌بیند؟ آن‌ها توجیه می‌کنند که "اگر ما همدیگر را دوست داریم و هر دو با هم خوشحال هستیم این چطور می‌تواند اشتباه باشد؟" تعداد قابل توجهی از زوج‌های مسیحی با سن بالا ترجیح می‌دهند که با هم زندگی کنند ولی ازدواج نکنند تا از پیچیدگی‌های ارث و میراث فرزندان‌شان و از دست دادن حقوق‌های بازنشستگی مستقل و مسائل مالیاتی جلوگیری کنند. در گذشته، به طور اساسی، تمام گروه‌های مسیحی و مذاهب، آموزش می‌دادند و تاکید داشتند که روابط جنسی فقط در قالب ازدواج جای می‌گیرند. آیا این تفسیر از بایبل هنوز هم معتبر است؟ آیا والدین و رهبران کلیسا باید نگران باشند؟ آیا برای مسیحیان این درست است که اعمال دیگران را قضاوت کنند - مخصوصاً در چنین مسائل شخصی و حساسی؟

شاید شما یک نوایمان باشید، زندگی‌تان را به عیسی سپرده باشید، بدانید که عشق به عیسی و اطاعت کردن از او جدانشدنی هستند (یوحنا ۲۱: ۱۴)، و الان با خودتان فکر می‌کنید که چطور تعهدتان به عیسی روی رابطه‌تان با پارتنرتان تاثیر می‌گذارد. شاید اخیراً زندگی مشترکی شروع کرده‌اید. شاید از آن رابطه بچه دارید. شما الان با خودتان فکر می‌کنید قدم بعدی چیست. این صفحه‌ها برای شما هم مفید است!

اصطلاحات استفاده شده: ما قرار است ۳ موضوع بسیار مربوط به هم را بررسی کنیم: صمیمیت جنسی - که منظورم رابطه‌ی جنسی سالم شامل آمیزش است، زندگی مشترک - که منظورم با هم زندگی کردن در یک رابطه‌ی جنسی قبل از ازدواج است، و ازدواج - که منظورم رابطه‌ی زن و شوهری متحد بدست خدا و تصدیق شده توسط یک ارگان عمومی و رسمی است. البته که ممکن است زوجی عاشق قبل از ازدواج بدون رابطه‌ی جنسی با هم زندگی کنند. این موقعیت هم بررسی خواهیم کرد. همچنین ممکن است که روابط جنسی بدون با هم زندگی کردن داشته باشید. لازم نیست که حتماً با هم زندگی کنید تا از لحاظ جنسی فعال شوید. متوجه خواهید شد که بیشتر آنچه که اینجا نوشته شده به آن موقعیت هم مربوط می‌شود.

خلاصه: رفتارهای در راستای زندگی مشترک و ازدواج در جامعه و همینطور در بین مسیحیان به سرعت در حال تغییر هستند. آیا بایبل با این تحولات اجتماعی هم سو است؟ در اینجا من سعی دارم که به شما نشان بدم که "بله". صمیمیت جنسی برکتی از جانب خداوند است اما فقط در محدوده‌ی تعهد مرد و زن با ازدواج. این طراحی خوب خداوند است، طرحی که بر ما آشکار شده تا چیزی مهم و زیبا را محافظت کند. دنبال کردن طرح خدا همیشه بهترین عملکرد برای شخص خود ما و همچنین برای جامعه است. از آنجایی که زندگی مشترک شامل صمیمیت جنسی قبل از ازدواج است، پس شامل صمیمیت جنسی خارج از ازدواج است. و همه‌ی شکل‌های صمیمیت جنسی خارج از تعهد ازدواج با طرح خوب و پر از عشق خداوند برای بشر در تقابل است. هر چیزی که با طرح خوب خداوند در تضاد باشد "اشتباه" است. بایبل این را گناه می‌نامد. و گناه هیچ وقت خوب نیست. برای شما بد است، برای رابطه‌ی شما و برای جامعه هم بد است. گناه همیشه یک چیزی را می‌کشد (رومیان ۶: ۲۳). در حالی که فرمانبرداری از طرح و برنامه‌ی خدا، همیشه مسبب زندگی و رشد انسان می‌شود.

ساختار: قبل از اینکه تعدادی از انگیزه‌ها و دلایل مردمی را که تصمیم به زندگی مشترک مثل زن و شوهر می‌گیرند بررسی کنیم، پیشنهاد می‌کنم که اول نگاهی به آنچه بایبل در باره‌ی ازدواج و تعهدات می‌گوید بیندازیم. با در نظر گرفتن برنامه‌ی خوب و مثبت خداوند، راحت‌تر می‌توانیم تحولات اجتماعی را ارزیابی کنیم. آن وقت به یک سری ملاحظات می‌رسیم که از خود می‌پرسید، "خداوند شرایط فعلی مرا چطور می‌بیند؟" و، "قدم بعدی من چه باید باشد؟"

خیلی‌ها به طراحی و ساخت یک "فضای امن"، جایی که قلب و ذهن بتوانند از پس کارهایشان برآیند، معتقدند. خیلی‌ها به طراحی و ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای معتقدند، "فضای امن"ی که انفجارهای هسته‌ای کنترل شده می‌توانند به گرما و الکتریسیته تبدیل شوند. به طور مشابه، خداوند آنچه را که برای ما به عنوان "فضای امن" در نظر دارد طراحی و آشکار کرده، جایی که صمیمیت جنسی عاشقانه و پیوندهای می‌تواند رشد و نمو کند. بایبل برای این "فضای امن" به تعهد ازدواج اشاره می‌کند.

ازدواج به عنوان یک تعهد

حزقیال نبی برای توضیح رابطه‌ی خدا با بنی اسرائیل، آن را به ازدواج تشبیه می‌کرد. «و دیگر بار از نزد تو گذر کردم، و چون بر تو نگرستم، دیدم که اینک به سن عشق رسیده‌ای. پس دامن ردایم را بر تو گستردم و عریانیات را پوشاندم، و برای تو سوگند خوردم و با تو عهد بستم و از آن من شدی!»؛ این است فرموده‌ی خداوندگار یهوه. (حزقیال ۱۶:۸). یک تعهد، محکم‌ترین شکل یک توافق بین ۲ یا چند طرف است. تعهدها برای روابط و همچنین جامعه ثابت فراهم می‌کنند. ما در بایبل شاهد *تعهدات افقی* هستیم – تعهدات بین افراد، مثل تعهد بین داود و یوناتان (اول سموئل ۱۸:۲۳)، و بین خانواده‌ها و مردم، مثل عهد بین ابراهیم و ابی‌ملک (پیدایش ۲۸:۲۶-۳۱). ولی در کنار این تعهدات، *تعهدات عمودی* هم وجود دارند – تعهدات بین خدا و یک فرد – مثل عهد خدا با نوح (پیدایش ۶:۱۸)، بین خدا و یک خانواده – مثل عهد با خاندان داود (دوم تواریخ ۲۱:۷۱)، بین خدا و مردم – مثل عهد با مردم اسرائیل (خروج ۲۷:۴) و "عهد جدید" با مسیحی‌ها (لوقا ۲۰:۲۲). جالب است که "فضای امن" تعهد ازدواج از دو مؤلفه تشکیل شده است: مؤلفه‌ی افقی – تعهد بین زن و مرد، و مؤلفه‌ی عمودی – تعهد بین آن زوج و خدا. واضح است که ازدواج فقط "یک تکه کاغذ" نیست. خیلی بیشتر از یک قرارداد ساده‌ی اجتماعی است. ازدواج، "فضای امن"ی است که با دقت و با فکر طراحی شده است، جایی که زوج‌ها می‌توانند آزادانه و مطمئن، بدون ترس پس زده شدن و یا جدایی احتمالی در آینده، خودشان باشند؛ جایی که می‌توانند کاملاً رها و آسیب‌پذیر باشند، جایی که می‌توانند تمام خود را به یکدیگر بدهند.

مؤلفه‌های افقی و عمودی یک تعهد

وقتی عده‌ای از مردم بنی اسرائیل به فکر جدانشدن از همسرشان بودند، خدا با آن‌ها از طریق ملاکی نبی صحبت کرد، "می‌گویید: «چرا خداوند ما را ترک کرده است؟» دلایل این است که شما به همسران که در جوانی با وی پیوند وفاداری بسته بودید، خیانت کرده‌اید و خداوند که شاهد این پیوند بوده، خیانت شما را دیده است" (ملاکی ۲:۱۴). خداوند خود را در اینجا به عنوان شاهد ارائه می‌کند. وقتی که یک زن و مرد در برابر هم برای وفاداری تا آخر عمر قسم می‌خورند، او شاهد این سوگند است – که این، مؤلفه‌ی افقی تعهد ازدواج است. ولی خدا بیشتر از یک شاهد است. این خود خدا است که مرد را با همسرش یکی می‌کند. در آن لحظه‌ی خاص ازدواج، یک اتفاق فوق‌العاده می‌افتد. "به طوری که آن دو نفر دیگر دو تن نیستند بلکه یک تن. هیچ انسانی حق ندارد آن دو را که خدا به هم پیوسته است، جدا کند." (متی ۱۹:۶). شاید چون خدا در پیوند زوج نقش فعال دارد، از تعهد ازدواج به عنوان یک پیمان از طرف خدا یاد می‌شود (امثال ۲:۱۷). ما با خدا هم عهد می‌بندیم که عاشق و وفادار پارتنری که او به ما داده است خواهیم بود – که این مؤلفه‌ی عمودی تعهد ازدواج است.

احتمالاً متوجه این شده‌اید که عروسی‌های سنتی مسیحی طوری سازماندهی شده‌اند که مؤلفه‌های عمودی و افقی این تعهد را منعکس کنند. زوجین، ابتدا در برابر کسی که ازدواجشان را رسمی می‌کند می‌ایستند. از آن‌ها یک یا چند سوال پرسیده می‌شود مثلاً "آیا الیزابت/پیتر را به عنوان همسر قانونی خود می‌پذیری، تا مراقبت باشی؟ و...". در مقابل، زن و مرد جواب می‌دهند، "بله، می‌پذیرم" – این‌ها پیمان‌هایی است که با خدا بسته می‌شود – مؤلفه‌ی عمودی تعهد ازدواج. در ادامه آن زوج برمی‌گردند و روبروی هم قرار می‌گیرند و سوگندهایی می‌خورند، مثلاً "من تو را به عنوان همسرم می‌پذیرم، تا با تو باشم و بمانم از حالا، تا بهترین، بدترین، غنیترین و فقیرترین حال در بیماری و در سلامتی، تا عشق بدهم و گرامی دارم، تا زمانی که طبق فرمان مقدس خداوند مرگ ما را جدا کند، و این است سوگند من. خداوند مرا یاری کند". این‌ها سوگندهایی است که برای یکدیگر در کنار خداوند و خانواده و دوستان به عنوان شاهدان یاد می‌شوند – مؤلفه‌ی افقی تعهد ازدواج. و بعد فردی که ازدواج را رسمی می‌کند زوج خوشحال را زن و شوهر اعلام می‌کند!

مشخصه‌های یک تعهد – برنامه ریزی برای ازدواج

اگر چه بایبل داستان‌های زیادی را از مردم مجرد و متاهل حکایت می‌کند، اما تعیین نکرده که یک ازدواج چطور باید انجام شود. هر فرهنگ و جامعه‌ای آزاد است که به شکل خاص خودش مراسم و جشن‌ها را برگزار کند. هر چند بایبل برای ازدواج که یک تعهد است، مشخصه‌های مهمی را پیشنهاد می‌دهد. مثلا:

(الف) یک پیمان: هر تعهد همیشه یک محتوی دارد. شما یک پیمانی می‌بندید. شما چیزی را می‌پذیرید یا قول می‌دهید. طرفین پیمان خود را به وظایف مشخصی مقید می‌کنند. تعهد ازدواج هم شامل یک سوگند خوردن هست (حزقیال ۸: ۱۶). شما می‌پذیرید که مالک متقابل بدن‌های هم باشید. شما قول می‌دهید که عاشق، وفادار و مراقب یکدیگر برای باقی زندگیتان باشید.

(ب) شاهد‌ها: یک تعهد معمولا یک مسئله‌ی عمومی است. در یک تعهد ازدواج، مرد مادر و پدرش را ترک می‌کند تا با همسرش یکی شود (پیدایش ۲: ۲۴)، و این یک امر شخصی نیست. حداقل مادر و پدر - خانواده‌ها- درگیر هستند. آن‌ها شاهد‌ها هستند. همانطور که قبلا اشاره شد، خداوند خودش به عنوان یکی از شاهد‌ها در تعهد ازدواج حضور دارد (ملاکی ۲: ۱۴).

(ج) یک سمبل: تعهد‌های بایبل معمولا با سمبول‌ها همراه هستند. عهد با نوح با یک رنگین کمان همراه بود. عهد با ابراهیم با ختنه همراه بود. عهد جدید با شام خداوند همراه است - یک وعده‌ی غذایی سمبولیک. بعضی از تعهد‌های ازدواج با هدیه‌های عروسی خاصی همراه هستند. امروزه بعضی افراد از حلقه‌ی عروسی، امضاها و برخی نشانه‌های دیگر استفاده می‌کنند تا به فرهنگ و جامعه‌شان بفهمانند که زن و شوهر هستند.

(ه) یک لحظه: تعهد‌ها معمولا در بعضی جشن‌های دسته جمعی، مراسم و یا تشریفات مذهبی جا می‌گیرند. آن تعهد در یک لحظه تصویب یا ثبت می‌شود، لحظه‌ای که سوگندی گفته و پذیرفته می‌شود، لحظه‌ای که آن تعهد به اجبار درمی‌آید. شما نمی‌توانید از یک تعهد بلغزید یا از زیر آن دربروید. این در مورد تعهد ازدواج هم صادق است. زندگی مشترک هرگز با ازدواج هم معنی نیست. همانطور که در زندگی مشترک لحظه‌ای هست که در آن توافق صورت می‌گیرد که یک خانه خریده شود و یک سیاست بیمه‌ای فعال شود، همچنین لحظه‌ای وجود دارد که شما "وارد یک تعهد ازدواج می‌شوید" (حزقیال ۸: ۱۶).



اگر برنامه دارید ازدواج کنید، چطور می‌توانید این ویژگی‌های تعهد را در جشن عروسیتان جای دهید؟ همانطور که در بالا گفتیم، بایبل چگونگی ازدواج را شرح نمی‌دهد. شما آزاد هستید که آن را رویدادی بزرگ یا کوچک ارائه دهید - بسته به سلیقه و بودجه‌تان. ولی از آنجایی که ازدواج شما برای خدا به عنوان یک عهد است، شاید بخواهید که عروسی بزرگ یا کوچکتان، مثل تصویب یک عهد و پیمان باشد. می‌توانید (الف) بعضی ویژگی‌های آن پیمان را در جشنتان جای دهید - مثل سوگند یاد کردن، شهادت شاهد‌ها، انجام دادن کاری سمبولیک، (ب) اشاره کنید به اینکه از دواجتان یک تعهد است، (ج) کلمه‌ی تعهد را در لحظه‌های به خصوص عروسی ذکر کنید، مثلا در طول سوگند خوردن یا هنگام مبادله‌ی حلقه‌ها. خلاق باشید! مطمئن باشید! روی اینکه عروسیتان را یک بیانیته‌ی زیبا، شفاف و مثبت بسازید، کار کنید.

ازدواج و سکس

برخی به اشتباه فکر می‌کنند که با آمیزش جنسی هم، زن و مرد مانند زن و شوهر می‌شوند. چون از لحاظ جنسی فعال هستند حس می‌کنند که زن و شوهر هستند. پولس رسول گفته‌است " اگر مردی با زنی بدکاره رابطه‌ی جنسی داشته باشد، آن زن قسمتی از وجود آن مرد می‌شود" و بعد برای تأیید کردن این موضوع از پیدایش نقل قول می‌کند " آن دو نفر یکی می‌شوند" (اول قرنطیان ۶: ۱۶). او مطرح نمی‌کند که آمیزش جنسی تعهد ازدواج را به وجود می‌آورد بلکه آن رابطه‌ی جنسی روح‌ها را به هم گره می‌زند. تنها مکان مناسب برای این یکی شدن روح‌ها در قالب ازدواج است. آنچه را که یک مسیحی با بدن خود و بدن دیگری می‌کند خدا می‌بیند و مورد توجهش است - حتی آن‌هایی که برای یک شب با هم همبستر می‌شوند. از هم جدا کردن روح‌هایی که به سبب سکس یکی شده‌اند همیشه علامت‌هایی به جا می‌گذارد. می‌تواند

اذیت‌کننده باشد. می‌تواند آسیب‌زننده باشد. پولس رسول کلامش را با مسیحیان با "از زنا فرار کنید" و "بدن شما معبد روح القدس است" تمام می‌کند. (۱ قرن‌تیا ۱۸: ۱۹ و ۶)

اسحاق و ربکا: وقتی آن‌ها همدیگر را دیدند، می‌خوانیم که، "آنگاه اسحاق ربکا را به خیمه مادرش سارا برد، و او را به زنی گرفت و دل به او بست. پس اسحاق پس از مرگ مادرش تسلی یافت" (پیدایش ۲۴: ۶۷). این منطقی است که فرض کنیم که قطعاً داخل چادر نرفتند که مونوپلی بازی کنند! ولی نباید هم فکر کنیم که رابطه‌ی جنسی بود که ربکا را زن اسحاق کرد. توجه داشته باشید که این یک رویداد همگانی بوده - در معرض دید همه‌ی کسانی که اطرافشان بودند، اسحاق ربکا را "به چادر مادرش" می‌برد - که قابل مقایسه با یک چادر تفریحی خصوصی نیست! آداب و رسوم اجتماعی غنی ای در این داستان نهفته است: ابراهیم خدمتکارش را می‌فرستد تا همسری برای پسرش پیدا کند. (پیدایش ۲۴: ۳-۴). پدر دختر می‌پذیرد که دخترش را بدهد تا زن او شود. (۲۴: ۵۱)، ربکا هم می‌پذیرد که برود و با اسحاق ازدواج کند (۲۴: ۵۸). خدا در این تصمیم دخیل است (۲۴: ۱۴). خانواده‌های دو طرف از این توافق مطلع بودند و حتی در این انتخاب دخیل بودند (۲۴: ۳۷ و ۵۰ و ۵۵ و ۵۸). از این گذشته، لازم به ذکر است که از دختران انتظار می‌رفت که تا روز ازدواج باکره بمانند. در مورد ربکا، گفته شده که "خیلی زیبا و باکره بود و هیچ مردی تا به حال با او همبستر نشده بود" (۲۴: ۱۶).

ازدواج بعد از سکس: یک نمونه‌ی واضح از اینکه سکس زن و مرد را به زن و شوهر تبدیل نمی‌کند را می‌توانیم در شریعتی که توسط موسی داده شد پیدا کنیم. می‌بینیم که گاهی بعد از رابطه‌ی جنسی غیر قانونی، مثل تجاوز، زوج باید ازدواج کنند (تثنیه ۲۲: ۲۸ و ۲۹). این حقیقت که زوج می‌بایست بعد از آمیزش جنسی ازدواج می‌کردند به طور واضح این را نشان می‌دهد که آمیزش جنسی، آنها را به یک زوج مزدوج تبدیل نکرده است. البته، زندگی مشترک و تجاوز با هم قابل مقایسه نیستند. در بایبل واضح است که صمیمیت جنسی برای لذت بردن فقط در قالب تعهد ازدواج است، و همچنین واضح است که آمیزش جنسی به خودی خود ازدواج ایجاد نمی‌کند. سکس باید به دنبال ازدواج باشد. سکس مرد و زن را تبدیل به زن و شوهر نمی‌کند.

ازدواج و باکرگی

بعضی افراد می‌پرسند که "در کجای بایبل خداوند زندگی مشترک را محکوم می‌کند؟". آن‌ها زندگی مشترک موقت را یک پدیده‌ی ناشناس اجتماعی جدید در دوران بایبل در نظر می‌گیرند. پس نتیجه می‌گیرند که بایبل هیچ نظری در اینباره ارائه نداده است. گناه‌های زیادی هستند که آشکارا در کتاب مقدس به آن‌ها اشاره نشده است. بایبل حرفی درباره‌ی تجاوز در ازدواج نزده است. بایبل حرفی از تجاوز به کودکان نزده است. برای اینکه نظر خداوند را درباره‌ی موضوعی بدانیم باید فرای جستجوی کلمه‌های مخصوص برویم. گواه خیلی قوی برای این که با هم زندگی کردن هیچ وقت خواست خداوند نبوده، رابطه‌ی محکمی است که ما در بایبل بین ازدواج و باکرگی پیدا می‌کنیم. در اسرائیل، یک مرد از زن خود انتظار باکرگی دارد (تثنیه ۲۲: ۱۳ و ۲۰). به عبارت دیگر، یک انتظار معمول بوده که زن باکرگی اش را شب ازدواج از دست بدهد. با این انتظار معمول، لازم نبوده که زندگی مشترک صریحاً اشاره و منع شود. این پیوند بین باکرگی و تعهد ازدواج امر کوچکی نبوده است. برای رد کردن محکم زندگی مشترک و روابط جنسی در موقعیت‌هایی قبل از ازدواج، مجازات باکره نبودن در فرمان‌های موسی مرگ است.

یوسف و مریم، برای نمونه، قصد داشتند که با هم ازدواج کنند. در حین انتظار و آمادگی برای زندگی متأهلی، از رابطه‌ی جنسی پرهیز کردند. وقتی یوسف متوجه شد که مریم حامله است، می‌دانست که نمی‌تواند از او باشد. بعد از اینکه در خواب به او الهام شد که حاملگی مریم ماوراء طبیعی بوده، یوسف به مراقبت کردن از مریم ادامه داد و منتظر او ماند. "اما با او همبستر نشد تا او پسر خود را به دنیا آورد؛ و یوسف او را عیسی نامید." (متی ۱: ۱۸-۲۰). نمونه‌ای از انتظار بدون سکس، درحالی که متعهد به ازدواج هستی.

پیوند بین ازدواج و باکرگی در نوشته‌های پولس رسول هم سندیت دارد. در دستورالعمل‌هایی که برای ازدواج در ۱ قرن‌تیا ۲۵: ۷-۳۸ داده شده است، او یک "باکره" را با یک فرد "مجرد" برابر می‌داند. به عبارت دیگر، از یک فرد "مجرد" انتظار می‌رفت که "باکره" باشد. باکرگی زمانیکه فعالیت‌های جنسی شروع می‌شد از بین می‌رفت - وقتی وارد یک تعهد ازدواج می‌شدند. هم در عهد قدیم و هم عهد جدید، توقع واضحی وجود دارد و آن این است که صمیمیت جنسی با ازدواج شروع می‌شود و نه قبل از آن.

ازدواج و زنا



بعضی ایمان‌داران در انجمن‌های تازه تاسیس مسیحی در قرن‌تس سکس را به عنوان یک چیز منفی می‌دیدند، چیزی که باید از آن جلوگیری کرد. آن‌ها به پولس رسول نوشتند و نظر او را در مورد این موضوع پرسیدند: "و اما در خصوص مسائلی که به من نوشته بودید: «مرد را نیکوست که زن را لمس نکند» (۱ قرن‌تیان ۷:۱). رسول با این اظهار مخالفت می‌کند. صمیمیت جنسی خوب و زیبا است. چیزی که رسول محکم رد می‌کند، زنا و روابط نامشروع است. آن است که باید متوقف شود.

منظور پولس از زنا چه است؟ او ادامه می‌دهد و آن را توضیح می‌دهد. تنها راه‌حلی که او برای جلوگیری از زنا و روابط نامشروع ارائه می‌دهد این است که "هر مردی باید زن خودش را داشته باشد، و هر زنی شوهر خودش را". توجه داشته‌باشید اشاره‌ی پولس در اینجا به دوست پسر یا دوست دختر یا پارتنر، و یا زن

و شوهر احتمالی در آینده نیست. طوری که پولس ادامه می‌دهد، به طور واضح نشان می‌دهد که او تعهد ازدواج را در نظر دارد: "زن و مرد باید وظایف زناشویی خود را نسبت به یکدیگر انجام دهند. دختری که ازدواج می‌کند، دیگر اختیار کامل بدن خود را ندارد، بلکه شوهرش نیز بر آن حقی دارد. همچنین شوهر بر بدن خود اختیار کامل ندارد، زیرا همسرش نیز بر آن حقی دارد" (۱ قرن‌تیان ۴-۷:۱). فقط بعد از ازدواج است که وظایف زناشویی شروع می‌شود. فقط بعد از ازدواج است که بدن شما متعلق به دیگری می‌شود. پس نتیجه می‌گیریم که منظور پولس از زنا تمام شکل‌های صمیمیت‌های جنسی خارج از محدوده‌ی ازدواج است. مسیحیان موظفند از زنا دوری کنند. بله، سکس خوب و سالم است، ولی اول ازدواج کنید بعد، به عنوان مالکین بدن‌های یکدیگر از یکدیگر به صورت جنسی هم لذت ببرید.

جشن گرفتن صمیمیت جنسی

هیچ چیز خجالت کشیدنی‌ای درباره‌ی سکس وجود ندارد. خدا خودش این راه ارائه‌ی عشق را بین زن و شوهر طراحی کرده است. من می‌توانم تصور کنم که خدا وقتی پایین را نگاه می‌کند و زوج مزدوجی را می‌بیند که از صمیمیت جنسی لذت می‌برند لبخند می‌زند و با خود فکر می‌کند، "عالی است. این همان چیزی است که در نظر داشتم!". نظر خداوند درباره‌ی تعهد ازدواج به قدری مثبت است که حتی خودش را به عنوان یک شوهر تجسم می‌کند، "آفریننده‌ی تو شوهر تو خواهد بود" و بعد اضافه می‌کند، "همانگونه که داماد به تازه عروسش دل می‌بندد، خداوند نیز به تو دل خواهد بست" (اشعیا ۵:۵؛ ۶۲:۵). آنچه که کمک می‌کند که ازدواج یک "محیط امن" باشد، این تغییر در مالکیت است. لحظه‌ای که زوج با هم ازدواج می‌کنند، مالکیت بدن‌هایشان از "برای من" به "برای ما" تغییر می‌کند (۱ قرن‌تیان ۳:۷-۵). این کمک می‌کند که صمیمیت جنسی در محدوده‌ی ازدواج یک تجربه‌ی خاص و ویژه بشود. قطعاً ارزش صبر کردن را دارد!

قسمت ب: زندگی مشترک - ارزیابی گرایش‌های اجتماعی

شاید شما داستان مادری را که می‌خواست به پسرش و دوست دختر او که تازه با هم شروع به زندگی مشترک کرده بودند سر بزنند که باهم ناهار بخورند شنیده باشید. پسر خیلی اصرار داشت که به مادرش ثابت کند که او و دوست دخترش با هم هم بستر نشده‌اند. مادر شک داشت ولی آن‌ها را به خودش نشان و اگذار کرده بود. چندین روز بعد ایمیلی (مادر) از پسرش پیغامی گرفت: "مامان، نمی‌خوام تو رو به چیزی متهم کنم، ولی از وقتی به ما سر زدی نتونستیم کنترل تلویزیون رو پیدا کنیم". مادر پاسخ داد: "پسرم، نمی‌خوام تو رو به چیزی متهم کنم، ولی اگر دوس دخترت رو تخت خودش می‌خوابید تا الان کنترل رو پیدا کرده بود".

شاید این طور به نظر شما بیاید که این یک داستان قدیمی است، یا شاید یک داستان سنتی برای فرهنگسازی است. چرا؟ زیرا امروزه اینک پارتنرها باهم به تعطیلات بروند، با هم در یک چادر باشند، در یک اتاق خواب باشند یا روی یک

تخت بخوابند "نرمال" تلقی می‌شود. امروزه خیلی از پسرها نیازی نمی‌بینند که بخواهند به پدر و مادرشان ثابت کنند که با دوست دخترشان هم بستر نشده‌اند. خیلی از پدر و مادرها هم امروزه به نظر می‌آید که زندگی مشترک فرزندانشان را "به صلاح"، "نرمال" یا نهایتاً "غیر ایده‌آل" در نظر می‌گیرند - ولی عده‌ی کمی آن را "غلط" نام گذاری می‌کنند. خیلی از کلیساها زوج‌هایی که با هم زندگی می‌کردند را به ازدواج در می‌آورند بدون اینکه حتی در مورد این مطلب بحث کنند. عملکردها درباره‌ی زندگی مشترک و ازدواج، در میان مسیحیان هم، به سرعت در حال تغییر است.

تمام زوج‌هایی که با هم زندگی می‌کنند انگیزه‌های یکسان ندارند. بعضی از آن‌ها درباره‌ی آن جدی فکر می‌کنند. باقی زوج‌ها در رابطه‌شان می‌لغزند. به طور واضح بعضی از مردم بدون اینکه انگیزه و قصدی برای اینکه روزی ازدواج کنند، داشته باشند زندگی مشترک دارند. برخی می‌خواهند که فعلاً "خوش بگذرانند" و بعداً اقدامی برای پیشبرد رابطه‌شان کنند. تمرکز آن‌ها روی لذت و خرسندی و رضایت خودشان است. تحقیقات مردمی نشان می‌دهد که دلیل اصلی که زوج‌ها انتخاب می‌کنند که با هم زندگی کنند این است که می‌خواهند زمان بیشتری را با هم، در کنار کسی که عاشقش هستند، بگذرانند. می‌خواهند از رابطه‌شان لذت ببرند. خیلی‌ها انگیزه‌های به ظاهر منطقی‌ای دارند و خب دلایلی به فکرشان می‌آید که نهایتاً تصمیم می‌گیرند که با هم زندگی کنند.

۱. لازم است واقع‌بین و محتاط باشیم

طرح: ازدواج یک توافق مادام‌العمر. زندگی مشترک می‌تواند به شما برای گرفتن این تصمیم مهم کمک کند. بحث: ما در فرهنگ زندگی می‌کنیم که از تعهد وحشت دارد. خیلی از کارمنداها قراردادهای کاری کوتاه‌مدت را انتخاب می‌کنند. خیلی از ما ترجیح می‌دهیم که گزینه‌هایمان را تا جایی که امکانش هست باز بگذاریم. برای ما مهم است که زندگیمان



تحت کنترل ما باشد. زندگی مشترک این امکان را فراهم می‌کند که یک "رابطه" را قبل از اینکه رسمی بشود امتحان کنیم. مثل یک "آزمایش هنرپیشگی" برای ازدواج است. طرف مقابل ممکن است از اینکه دارد آزمایش می‌شود اطلاع داشته یا نداشته باشد. تا حدودی مثل سوار شدن یک ماشین برای "امتحان کردن رانندگی با آن" قبل از تصمیم گرفتن برای خریدنش است. اگر آن ماشین انتظارات اولیه‌ی شما را برآورده نکند یا درباره‌ی کیفیت و عملکرد آن شک داشته باشید، به راحتی آن ماشین را برمی‌گردانید، از فروشنده تشکر می‌کنید و از آنجا دور می‌شوید. تفاوت بزرگ این است که ما انسان هستیم، برخلاف ماشین‌ها، احساس داریم. اگر خودتان را جای خریدار بگذارید، این قیاس به نظرتان منطقی می‌آید. ولی ایده به نظر بی‌انصاف، و حتی زنده می‌آید، اگر خودتان را جای ماشینی بگذارید که دارد آزمایش می‌شود.

۲. لازم است دریابیم که آیا سازگار هستیم یا نه

طرح: ازدواج یک تعهد برای زندگی است. زندگی مشترک به شما کمک می‌کند که کشف کنید که آیا شما از لحاظ جنسی و احساسی سازگار هستید یا نه. بحث: ازدواج همیشه یک کار از روی ایمان است. شما هیچوقت نمی‌توانید کامل کامل یک فرد را قبل از ازدواج بشناسید. در واقع شما خودتان را هم کامل نمی‌شناسید. حتی بعد از ۳ یا ۵ سال با هم زندگی کردن هم طرف مقابلتان را نمی‌شناسید. با روبرو شدن با تجربه‌های جدید، شما و پارتنرتان، هم رشد می‌کنید و هم تغییر. در طول دوستی قبل از ازدواج، شما می‌توانید شخصیت اولیه‌ی یک فرد را تا اندازه‌ی خوبی بشناسید. با آشنایی با خانواده و دوستان آن فرد، با پیدا کردن راه‌هایی برای خدمت به خداوند و مردم، شما بخش زیادی از اولویت‌ها، شخصیت و راه زندگی او را کشف می‌کنید. رفتارشناسان جنسی می‌گویند که دو نفر باید خیلی از لحاظ پزشکی با هم تناقض داشته باشند که از لحاظ جنسی با هم تناسب نداشته باشند. اگر شبهه‌هایی در اینباره دارید، می‌توانید با یک دکتر مشورت کنید - به جای اینکه سکس قبل از ازدواج را آزمایش کنید. ابراز عشق در سکس و همچنین چگونگی انجام آن، چیزهایی هستند که باید آموخته شوند. با طرز برخورد درست و در یک محیط مناسب توانایی‌ها و رضایت‌مندی‌های جنسی شما رشد خواهد کرد. عشق، وفا و تعهد مادام‌العمر محیط صحیح را فراهم می‌کنند تا تقاهم توسعه یابد.

۳. حس می‌کنیم در حال حاضر با هم زندگی کردن مناسب‌ترین گزینه است

طرح: ما در یک شهر درس می‌خوانیم. من مشکلاتی در خانه‌ی پدر و مادرم دارم. مشکلات مالی جدی داریم. زندگی مشترک در حال حاضر به صلاح است. بحث: بله، شاید مناسب‌تر به نظر بیاید که وقتی در حال آماده شدن برای ازدواج

کردن هستید با هم زندگی کنید. شاید سوده‌های مالی و عملی هم وجود داشته باشد. شاید در زمان سفر کردن به این شهر و آن شهر صرفه جویی کنید. شاید در هزینه‌های اجاره، آب، گاز و قبض‌های اینترنت صرفه جویی کنید. شاید پول‌هایی که می‌توانست برای هزینه‌های خانه، شهریه‌های دانشگاه یا برگزاری روز عروسی خرج شود را پس انداز کنید! واقعیت این است که همیشه از لحاظ مالی منطقی نیست که پیرو عیسی باشید! اطاعت از پدر آسمانی همیشه از نظرمان مناسب نیست. در حقیقت، اگر زندگی عیسی و شاگردان بر ایمان یک نمونه است، معمولاً بر خلاف این است. عیسی خود اینطور می‌گوید: "هر که می‌خواهد مرا پیروی کند، باید از خواسته‌ها و آسایش خود چشم‌پوشد و هر روز، زحمات و سختی‌ها را همچون صلیب بر دوش بکشد و به دنبال من بیاید" (لوقا ۹:۲۳). تصمیم بگیرید که تصمیم‌های زندگیتان را به جای اینکه بر اساس نظرات خود یا آسودگی بگیرید بر اساس اصول بایبل بگیرید.

یک سبک زندگی گناه‌آلود هیچ وقت تنها گزینه نیست. دریافتن برنامه‌ی خدا برای شما و پارتنتران ممکن است سخت باشد، شاید باید در بردباری رشد کنید، شاید باید بهایی پرداخت کنید، ولی خداوند همیشه راهی ایجاد می‌کند. اگر قلبتان را بر طبق خشنودی خداوند تنظیم کرده‌باشید، در یک زمانی او دری را برایتان باز خواهد کرد. "خدا به وعده‌های خود وفا می‌کند و نمی‌گذارد شما بیش از توانایی خود وسوسه شوید. خدا همراه با هر وسوسه‌ای راهی هم برای فرار از آن فراهم می‌کند تا بتوانید در مقابل آن پایداری کنید" (اول قرن‌تین ۱۰:۱۳). امکان دارد که خانواده یا دوستان جای موقتی را برای سکونت به شما پیشنهاد دهند که زمانی که ازدواج کنید، جدا زندگی کنید. احتمالاً هزینه‌اش بالاتر باشد، احتمالاً زمان و انرژی بیشتری از شما بگیرد، احتمالاً نامناسب یا کم‌بازده باشد، ولی شما آرامش خدا و برکت را در آنچه که می‌کنید خواهید دید.

۴. قصد جدی برای ازدواج داریم

طرح: ما به هم متعهد هستیم و تاریخی را هم برای عروسیمان فیکس کرده‌ایم. زندگی مشترک با قصد جدی ازدواج نمی‌تواند اشتباه باشد. مثل این می‌ماند که کمی از بیسکوییتی را که می‌خواهید بخرید در حینی که در صف صندوق سوپرمارکت هستید بخورید. بحث: البته، که قصد خوب مهم است. ولی قصد خوب به خودی خود کافی نیست. یک اصل پایه‌ای وجود دارد: اول مالکیت، بعدا امتیازات و مسئولیت‌های مالکیت. به همین دلیل است که کارت‌های اعتباری روی قراردادها امضا شده پافشاری دارند و اینکه کاغذهای مربوط به مالکیت فقط بعد از اینکه پرداخت‌ها دریافت شدند، صادر می‌شوند. خانه‌ی شما نه بعد از اینکه تصمیم جدی به بیمه کردن می‌گیرید بلکه از لحظه‌ای که رسماً شرایط و بندهای آن شرکت بیمه را می‌پذیرید و قرارداد را می‌بندید، بیمه می‌شود.



اگر یک مسیحی هستید، بدن شما هم به خدا تعلق دارد. "آیا نمی‌دانید بدن شما معبد روح‌القدس است که خداوند به شما بخشیده و در شما ساکن است؟ علاوه بر این شما دیگر صاحب بدن خود نیستید، زیرا با قیمت گزافی خریده شده‌اید. پس بندهای خود را برای جلال خدا بکار ببرید" (اول قرن‌تین ۱۹:۶-۲۰). شما در مالکیت با خدا شریک هستید و تنها رئیس بدن خود هستید. الان دیگر آنچه که با بدن خود می‌کنید برای خدا اهمیت دارد. حال، وقتی یک زوج با هم ازدواج می‌کنند جابجایی مهم دیگری اتفاق می‌افتد: آن‌ها مالکین مشترک بدن‌های یکدیگر می‌شوند (اول قرن‌تین ۷:۳-۵). "فضای امن" ای که خدا برای نزدیکی جنسی طراحی کرده است تنها زمانی "فضای امن" می‌شود که شما وارد تعهد رابطه می‌شوید، از لحظه‌ای که تعهد ازدواج تصویب می‌شود، از لحظه‌ای که خداوند زن و مرد را در کنار هم همراهی می‌کند، از لحظه‌ای که شما مالکین مشترک بدن‌های همدیگر می‌شوید، از لحظه‌ای که شما "دیگر دو نیستید، بلکه یک هستید" (متی ۱۹:۶) - و نه قبل از آن. این خوب است که تاریخی را برای عروسیتان در نظر دارید. ولی تعیین کردن این تاریخ، زندگی مشترک را موجه نمی‌کند. از بیسکویت‌ها بعد از اینکه از سوپرمارکت خارج شدید لذت ببرید!

۵. به نظر ما زندگی مشترک موقت ایده آل نیست، ولی گناه هم نیست

طرح: ما با هم زندگی می‌کنیم چون همدیگر را دوست داریم و به رابطه‌مان متعهد هستیم. ما آزادانه پذیرفتیم که با هم زندگی کنیم. هیچ کدام متضرر و اذیت نمی‌شویم. زندگی مشترک موقت قبل از ازدواج به اندازه‌ی ازدواج خوب نیست، ولی نمی‌توان آن را اشتباه، گناه، شریرانه یا انحراف هم در نظر گرفت. بحث: چه کسی تعیین می‌کند که چه چیزی درست است و چه چیزی غلط؟ مسیحیان همیشه بر این باور هستند که اخلاقیات یک توافق ساده‌ی اجتماعی نیست. خدا و مکاشفه‌ی او

پایه‌ی اخلاقیات است. اگر بایبل آموزش می‌دهد که بعضی بر خورد ها یا کارها اشتباه یا گناه‌آلود است، پس صرف نظر از آنچه اشخاص دیگر می‌گویند، اشتباه و گناه‌آلود است.

اگرچه در بایبل، می‌بینیم که همه‌ی اشتباهات به یک اندازه بد نیستند، تمام گناهان مثل هم نیستند. دلیل اینکه فرمان‌هایی که موسی از طرف خدا ارائه می‌کند شامل مجازات‌هایی با شدت متفاوت است این است که برخی گناهان شدیدتر از باقی گناهان هستند. برای اشتباهات خیلی جدی، مرتکب شونده محکوم به مرگ بود. در آموزه‌های عیسی خداوند هم این درجات اشتباهات و گناهان مطرح شده‌است. او گفته‌است که اگر مردم شهری پیام پادشاهی خدا را نپذیرفتند، مجازاتشان شدیدتر از حالت سدوم و عموره خواهد بود (متی ۱۰:۱۵). چرا؟ زیرا گناه آن‌ها بزرگتر بود. هرچه بیشتر می‌دانیم، عدم اطاعت جرمش بیشتر می‌شود. اشتباهات کوچکتر در مقایسه با گناهان بزرگتر درست و قابل قبول نمی‌شوند. اشتباه، اشتباه باقی می‌ماند، آن گناه گناه باقی می‌ماند. عیسی آموزش داد که مرتکب شونده‌ی گناه بزرگتر "با شلاق ضربه‌های بسیاری خواهد خورد" و مرتکب شونده‌ی گناه کمتر "ضربه‌های کمتری خواهد خورد" (لوقا ۱۲: ۴۷-۴۸). هر دو اشتباه کردند، هر دو مجازات می‌شوند.

این درجه‌بندی گناه‌ها منطقی است. جریمه‌ی رد شدن از چراغ قرمز بیشتر از جریمه‌ی پارک کردن در جای نامناسب است. چرا؟ زیرا یکی خطرناک‌تر است، اشتباه سنگین‌تری است. قتل، از دزدی خطای بزرگتری است. زنا با بدن خود خطای بزرگتری از زنا در ذهن خود است (در اینجا فرد سومی وجود ندارد). دزدی با خشونت از بانک خطای بزرگتری از دور زدن مالیات است. ولی تمام این‌ها خطا هستند! به همین شکل، سکسی که با توافق طرفین قبل از ازدواج اتفاق می‌افتد در برابر تجاوز خطای کمتری است. زندگی مشترک با قصد جدی ازدواج خطای کمتری نسبت به رابطه‌ی جنسی بی بند و بار است. این حقیقت که در اشتباهات درجه بندی وجود دارد، نباید باعث شود که بعضی شکل‌های خطا برای ما قابل پذیرش شود. خطاهای کوچکتر در برابر خطای بزرگتر، صحیح یا قابل قبول نمی‌شوند. صمیمیت جنسی در چارچوب ازدواج صحیح است، و خارج از ازدواج اشتباه است. پس نمی‌شود گفت که زندگی مشترک فقط به سادگی "غیر ایده‌آل" است. اشتباه است.

۶. باید نسبت به تغییرات فرهنگی منعطف باشیم

طرح: بایبل سالیان پیش و در فرهنگی بسیار متفاوت از آنچه در حال حاضر فرهنگ ما است نوشته شده‌است. امروزه ما ارباب‌ها و غلامان نداریم. زن‌ها به طور برابر با مردان از آموزش و احترام در جامعه برخوردارند. آیا نباید کلیساهای مسیحی این مقاومت در برابر این توسعه‌های طبیعی اجتماعی را کنار بگذارند؟ آیا نباید مسیحی‌ها درک کنند که زندگی مشترک در سبک زندگی امروزه گزینه‌ی مقبولی است؟ بحث: بایبل شامل محیط‌های اجتماعی متفاوتی است. برای مثال، نشان می‌دهد که یهودیان، مصری‌ها، رومیان و یونانی‌ها رسم‌ها و سنت‌های متفاوتی دارند. به عنوان رسولی که بسیار سفر می‌کرد، پولس از فرهنگ‌ها مطلع بود و بسیار منعطف بود (اول قرنتیان ۹: ۲۰-۲۳). ولی خبر خوش همان باقی ماند. گناه همان گناه باقی ماند، و تمام گناهکاران همچنان به نجات‌دهنده نیاز داشتند. بنیاد ازدواج یک بنیاد اجتماعی یا فرهنگی نیست. خدا آن را تاسیس کرده‌است. خدا هنوز هم هر مرد و زن را با ازدواج "به هم پیوند می‌دهد" (متی ۱۹: ۶). هیچ چیز از مد افتاده‌ای درباره‌ی ازدواج وجود ندارد. امکان دارد که شیوه‌های جشن‌گرفتن ازدواج "از مد افتاده" بشوند و خب شما می‌توانید این شیوه‌ی برگزاری را مطابق تغییرات جامعه تغییر دهید. در واقع، هر فرهنگی آزاد است جشن‌ها یا آداب و رسوم خود را برای رسمی کردن ازدواج‌هایشان گسترش دهد. بایبل، با ایجاد تنوع شاد و خلاق مشکلی ندارد. ولی وقتی دولت یا جامعه‌ای به دنبال پایین آوردن ارزش پیوند ماندگار ازدواج و یا تغییر دادن مفهوم آن است، مسیحیان می‌بایست که ایستادگی کنند و متفاوت باشند. بله، ما با فرهنگی که در آن زندگی می‌کنیم سازگار می‌شویم، ولی باید در برابر قسمت‌هایی از آن فرهنگ که با کلام خداوند در تقابل است مقابله کنیم. "از خدا باید اطاعت کرد، نه از انسان" (اعمال رسولان ۵: ۲۹). تا زمانی که مرد و زن روی زمین زندگی می‌کنند، تعهد ازدواج منسوخ نخواهد شد. بیایید فعالانه آن را گرمی بداریم. به یاد داشته باشید که "فضای امن" ازدواج توسط خدا و برای منفعت ما طراحی شده است. چیزی نیست که نابودکننده‌ی لذت خوشی باشد بلکه مایه‌ی بیشتر شدن خوشی می‌شود و خوشی همراه با محافظت را فراهم می‌کند.

۷. ما کامل نیستیم، ولی هیچ‌کس کامل نیست

طرح: شاید روال زندگی مشترک خطای خفیفی باشد، ولی خب هیچ مسیحی‌ای کامل نیست. ما تماماً در مسیح پذیرفته شده‌ایم نه به خاطر اعمال کاملمان بلکه به خاطر کار بی نقص و کامل مسیح. بحث: واقعیت این است که تنها خداوند

عیسی مسیح بود که روی زمین کامل بود. بقیه‌ی ما به نجات‌دهنده نیاز داریم. به محض اینکه ما به سوی عیسی برمی‌گردیم، به محض اینکه توبه می‌کنیم و خودمان را به او می‌دهیم، او تمام گناهانمان را می‌بخشد، گناهان گذشته و آینده (اول یوحنا ۱:۷؛ مکاشفه ۱:۵). در نتیجه‌ی این، ما جایگاهی به عنوان فرزند خدا دریافت می‌کنیم. جایگاه جدیدمان از مقدسات است. ما مقدس هستیم. خدای پدر هر ایمانداری که تولد تازه پیدا می‌کند را زیر پوشش عیسی می‌بیند، پس در نتیجه ما به طور کامل در عیسی پذیرفته می‌شویم. از آن جایگاه محکم ما خوانده شده‌ایم که زندگی مسیحیمان را شروع کنیم. ما مقدس هستیم، و باید در این قدوسیت رشد کنیم، تا با طرز زندگی‌مان مقدس‌تر شویم، "پس او با یک قربانی، افرادی را که خدا تقدیس می‌کند، برای همیشه کامل ساخته است" (عبرانیان ۱۰:۱۴). به طور مختصر، پدر پر محبت ما می‌خواهد که ما بیشتر شبیه عیسی مسیح شویم. بله، من و شما و هر مسیحی دیگری ممکن است گاهی اشتباه کنیم (شکست بخوریم)، ولی میل ما برای این که طوری زندگی کنیم که خداوند را خشنود کند محکم و سرزنده باقی می‌ماند.

زمانی که یوحنا رسول مرد پیری بود، رشد بینظیری در کلیساهای تازه تاسیس دیده‌بود، ولی در عین حال شکست‌های زیادی را نیز دیده بود. او همچنان به ایمانداران تاکید می‌کرد که از گناه دوری کنند و به رشد در قدوسیت ادامه دهند. "فرزندان عزیزم"، این را به شما می‌نویسم تا گناه نکنید. اما اگر کسی مرتکب گناهی شود، در پیشگاه خدای پدر کسی را داریم که برای ما شفاعت می‌کند - همان عیسی مسیح که کاملاً نیکوست (اول یوحنا ۲:۱). استاندارد خودتان از قدوسیت را به‌خاطر شکست‌های ناراحت‌کننده‌ی دیگران پایین نیاورید. زندگی‌های ما با انتظارات خداوند سنجیده می‌شود، نه با انتظارات دیگران. از فیض بی اندازه‌ی خدا و جایگاه محکم خود در مسیح برای توجیه کردن اشد تبهات و گناهان زندگی‌تان استفاده نکنید. به طور مداوم به دنبال خشنود کردن خداوند باشید. درگیر سکس قبل از ازدواج یا زندگی مشترک نباشید. پولس رسول خیلی صاف و روشن است، "پس چه بگوییم؟ آیا باید به زندگی در گناه ادامه دهیم تا فیض خدا افزون گردد؟ به هیچ وجه! ما که نسبت به گناه مرده‌ایم، چگونه می‌توانیم به زندگی در آن ادامه دهیم؟ پس چه؟ آیا چون زیر فیض خدا هستیم و نه تابع شریعت، اجازه داریم گناه کنیم؟ نه، به هیچ وجه!" (رومان ۶:۱ و ۲ و ۱۵).

۸. حس می‌کنیم که در حال حاضر زندگی مشترک راه خدا برای ماست

طرح: ما با دقت درباره‌ی زندگی مشترک فکر کردیم و به این نتیجه رسیدیم که خوب است. الان ما با هم زندگی می‌کنیم و آرامش خودوند را در رابطه‌مان تجربه می‌کنیم. بحث احساس من و شما نسبت به کارهای مختلف به تربیت ما، آنچه که اطرافیان ما انجام می‌دهند، تفکرات و نظرات ما و تفکرات و نظرات کسان دیگری که مورد احترام ما هستند بستگی دارد. احساسات ما به وجدان ما پاسخ می‌دهند. اگر وجدان ما هماهنگ با کلام خدا باشد، سیگنال‌های درست را به ما می‌فرستد (رومان ۹:۱؛ اول قرنتیان ۴:۴). این مسئولیت ماست که به وجدانمان با کلام خدا آموزش بدهیم. ما چطور می‌توانیم تشخیص دهیم که آیا یک فکر یا احساس از خداست (رومان ۸:۱۶)، یا از شیطان (اول قرنتیان ۷:۵) و یا ساخته‌ی دست خودمان است (اول قرنتیان ۲:۱۵)؟ برای اینکه بتوانیم این منبع‌ها را از هم تمییز دهیم نیاز داریم که از کتاب مقدس مشورت بخواهیم: "زیرا کلام خدا، زنده و فعال و از هر شمشیر دو دم تیزتر است و تا اعماق روح و نفس و مفصل و مغز استخوان نفوذ می‌کند و نیات و اغراض دل انسان را آشکار می‌سازد" (عبرانیان ۴:۱۲). این کلام خداست که تایید و یا نقض می‌کند که آیا تفکر، احساس یا گمانی از اوست. این کلام مکتوب خداست که تعیین می‌کند که چه چیز راست یا غلط است.

حتی وقتی زندگی مشترک به نظر درست می‌آید، حتی وقتی که من فکر می‌کنم که خیالی، رویایی یا یک پیغام مخصوصی از خدا دریافت کرده‌ام که آن را تایید کرده - زندگی مشترک همچنان یک روش زندگی گناه‌آلود باقی می‌ماند. بله، من آگاهم که شرایط پیچیده‌ای وجود دارد که فیض، آگاهی و هدایت خدا به شدت لازم خواهد بود. به بعضی از این شرایط در آخر این بخش خواهیم پرداخت. ولی این به هیچ وجه خواست واضح خدا را برای بشر تغییر نمی‌دهد: اول ازدواج، و بعد صمیمیت جنسی. مقصود "کلام مکتوب خدا" بر ادراک درونی ما از "خواست خدا" اولویت دارد. نویسنده‌ی عبرانیان می‌خواهد به خوانندگان یادآوری کند که روزی می‌آید که هر مسیحی برای زندگی خود باید به خدا "حساب پس دهد" (عبرانیان ۴:۱۳). انتخاب‌های که در زندگی‌مان می‌کنیم توسط یک استاندارد معقول قضاوت می‌شود. تفسیرهای کلام خدا می‌تواند متنوع باشد. ولی کلام خدا، مکاشفه‌ی خدا، حقیقت خدا بدون تغییر باقی می‌ماند: "کلام خدا تا ابد پایدار است" (اشعیا ۴۰:۸). پس، از چشم خدا، همه‌ی تفسیرها یکی نیستند. برخی کمبود دارند، برخی حقیقتاً غلط هستند. یک تفسیر تنها در صورتی خوب است که با حقیقت خدا هم‌راستا باشد. بیایید اشتباهی مرتکب نشویم؛ زندگی ما، شامل انتخاب‌هایی که درباره‌ی مسائل جنسی می‌کنیم، برای خدا اهمیت دارد.

۹. ما با هم صمیمیت جنسی داریم اما بدون آمیزش

طرح: ما یکدیگر را دوست داریم، و این را با راه‌های متفاوت به هم نشان می‌دهیم. ما در لمس کردن یکدیگر یا نوازش کردن بدن یکدیگر آزاد هستیم، گاهی با هم روی یک تخت می‌خوابیم، ولی تصمیم جدی داریم که آمیزش جنسی را برای بعد از ازدواج بگذاریم. بحث: در بایبل کلمه‌ی *زنا* برای توصیف گناه آدم متاهلی است که با کسی غیر از زوج خود رابطه‌ی جنسی دارد. کلمه‌ی یونانی که به *زنا* یا *بی‌اخلاقی جنسی* ترجمه شده است *pornea* می‌باشد - که به صورت گسترده به هر شکلی از رابطه‌ی نامشروع اشاره دارد. از آنجایی که تنها شکل رابطه‌ی جنسی مشروع، بین زن و شوهر است، پس هر رابطه‌ی جنسی خارج از ازدواج مانند *زنا*، همجنس‌گرایی و رابطه‌ی جنسی قبل از ازدواج، نامشروع است، به طراحی خوب خداوند برای تمایلات جنسی بی‌حرمتی می‌کند. برابر پنداشتن "سکس" با "آمیزش" درست نفهمیدن هدف و منظور صمیمیت جنسی است. هرگونه رابطه‌ی جنسی بدون آمیزش، بخشی از پروسه‌ی پیوند روح دو نفر است. صمیمیت جنسی ایده‌ی خدا است و برای اینکه زن و شوهر از نهایت لذت در "محیط امن"ی که توسط ازدواج فراهم می‌شود برخوردار شوند توسط خدا طرحی شده است. این پکیج زیبا شامل روابط صمیمی قبل از آمیزش، لذتی که زوج با هم تجربه می‌کنند و نوازش بدن یکدیگر، هیجان فیزیکی، آمیزش، ارگاسم و در آغوش کشیدن یکدیگر بعد از آن است. این‌ها همه بخشی از یک پکیج زیبا هستند - تا یک زن و شوهر این پکیج را باز کرده و از آن لذت ببرند - فقط در حیطه‌ی ازدواج. برای بازکردن این پکیج خارج از محدوده‌ی ازدواج مشمول روابط جنسی خارج از ازدواج می‌شود و در نتیجه در دسته‌ی *زنا* قرار می‌گیرد. "همه باید ازدواج را محترم بشمارند و پیوند زناشویی را از آلودگی دور نگاه دارند، زیرا خدا زناکاران را خواه مجزّد، خواه متأهل به کیفر خواهد رسانید" (عبرانیان ۴: ۱۳).



برپا کردن حصارهای محافظت‌کننده به کمک هم: برای بعضی این سوال پیش می‌آید که، دقیقاً چه چیزی متعلق به این "پکیج زیبا" است؟ از نظر فیزیکی تا چه حد می‌توانیم قبل از ازدواج پیش برویم؟ لیست آشکاری از کارهای مناسب و نامناسب در بایبل وجود ندارد. این به این معنا نیست که رفتار مناسب و نامناسب وجود ندارد. در بایبل اصولی یافت می‌شود. بایبل دستورالعمل دقیق و ریز برای تمام مسائل زندگی ندارد. از خودتان بپرسید: آیا این برای من، پارتنر من، رابطه‌مان و شهادت مسیحیمان "سودمند" است؟ آیا این کار حواس ما را از چیزهای بهتر پرت می‌کند؟

آیا دارد "اعتیادآور" می‌شود - آیا دارد مرا بنده‌ی خود می‌سازد؟ (اول فرنتیان ۶: ۱۲). برای برخورد مناسب قبل از ازدواج، من پیشنهاد می‌کنم که در کلیسای خود به دنبال نصیحت و نظر زوج‌های مسیحی بالغی که زندگی خانوادگی سالم و خوشحالی دارند باشید. برخورد مناسب در هر زمینه‌ی فرهنگی می‌تواند متفاوت باشد. اخیراً، یکی از خادمین گروه جوانان با من این ۴ نکته را که معمولاً در این شرایط پیشنهاد می‌دهد به اشتراک گذاشت: "هیچ بخشی از بدن دوست دختر/دوست پسران را که شما آن را ندارید لمس نکنید. لباستان را بر تن داشته باشید. با هم روی تخت دراز نکشید. وقتی با هم در یک اتاق هستید، همیشه در را باز بگذارید". علاوه بر این‌ها شما هم می‌توانید حصارهای محافظتی خود را اضافه کنید. شما این حصارها را می‌کشید تا به شما کمک کند که رابطه‌های سالم و مورد رضایت خدا داشته باشید. یک راننده‌ی خوب آن نیست که خیلی نزدیک به لبه‌ی پرتگاه رانندگی کند اما نیفتد، بلکه کسی است که با احتیاط رانندگی کند، کسی که ریسک‌های غیرضروری نکند. به عنوان یک زوج، محتاط باشید. آن گزینه‌های قدرتمند جنسی را بیدار نکنید تا زمانی که "محیط امن"ی که بتوانید آن‌ها را در آن ارائه کنید فراهم نکرده‌اید (غزل غزل‌ها ۷: ۲ و ۳: ۵). خط قرمزهای یکدیگر را بپذیرید و به هم کمک کنید تا در محدوده‌ی آن‌ها زندگی کنید.

۱۰. ما بدون روابط جنسی با هم زندگی می‌کنیم

طرح: آنچه زندگی مشترک را گناه‌آلود می‌کند این است که شامل صمیمیت جنسی خارج از محدوده‌ی ازدواج است. شرایط ما متفاوت است. ما برنامه داریم که ازدواج کنیم و در عین حال با هم بدون داشتن سکس زندگی می‌کنیم. بحث: برای زوجی که علاقه‌ی زیادی به هم دارند این امکان وجود دارد که با هم بدون صمیمیت جنسی زندگی کنند. آن‌ها با هم مثل دوست در یک رابطه‌ی غیر جنسی زندگی می‌کنند، مثل خواهر و برادر. به دلیل اینکه هیچ بخشی از بایبل را پیدا نمی‌کنم که آشکارا این را منع کند، نتیجه می‌گیرم که این نوع از با هم زندگی کردن در دسته‌ی گناه قرار نمی‌گیرد. با اینحال، هنوز می‌خواهم شما را از انجام آن منصرف کنم. به دلایل زیر توجه کنید:

می‌دانیم که زندگی مسیحی غنی‌تر از یک زندگی صرفاً بازدارنده از نیاید است. البته، ما به ممنوعیت‌های بایبل احترام می‌گذاریم ولی تمرکز و کشش ما باید مثبتی است. زیرا ما خدا را دوست داریم، ما می‌خواهیم "دریابیم که چه

چیزی باعث خشنودی خدا می‌شود" (افسسیان ۵:۲۰)، و بعد آن را انجام می‌دهیم. من فکر می‌کنم که پولس رسول این را در ذهن داشته که نوشته: "در انجام هر کاری آزادیم" – ولی همه چیز سودمند نیست. "در انجام هر کاری آزادیم" – ولی همه چیز سازنده نیست (اول قرنیتان ۱۰:۲۳). ممکن است برای یک زوج مسیحی که عشق عمیقی به هم دارند و توجه جنسی عمیقی را نسبت به هم احساس می‌کنند "مجاز" باشد که با هم بدون سکس زندگی کنند. ولی آیا این برای خدا و مصلحت آن‌ها "سودمند" است؟ آیا "سازنده" است – آیا برای پادشاهی خدا سودمند است؟ به عنوان مسیحی، ما مسیح و انگیزه‌ی او را در زمین ارائه می‌کنیم. پس انتخاب‌های زندگی ما حائز اهمیت هستند. پیشنهاد من این است که این اتفاق می‌تواند غیر عاقلانه، ناسالم و خطرناک باشد:

غیر عاقلانه: غیر عاقلانه چون شما پیغام غلطی را به دنیای اطراف خود منتقل می‌کنید. وقتی دوستان و همسایه‌های شما که می‌دانند شما مسیحی هستید متوجه شوند که شما بعد از ازدواج کردن شروع به با هم زندگی کردن کردید، شما ارزش ازدواج را گرامی داشتید، بالا بردید و تقویت کردید. "همه باید ازدواج را محترم بشمارند (عبرانیان ۴:۱۳). شما پیغامی مثبت از پادشاهی را به هرکسی که بخواد اهمیت دهد و توجه کند منتقل می‌کنید. البته، روابط ما با خدا چیزی شخصی است، ولی شیوه‌ای که ما زندگی می‌کنیم چیزی عمومی است. ما باید نور و نمک جهان باشیم، متفاوت به طرز مثبت.

ناسالم: ناسالم زیرا شما باید میل جنسی خوب، قوی و طبیعی خود را هنگامی که در رابطه‌ی مدل "خواهر-برادری" به جای "زن-شوهری" هستید، تحت فشار قرار دهید. از متخصصان جنسی شنیده‌ام که این روش "مصنوعی" زندگی کردن می‌تواند مسائل جنسی ناسالم ایجاد کند که می‌تواند اثر عکس روی رابطه بگذارد – مخصوصاً روی زن. ولی دلیل اصلی که من این اتفاق را توصیه نمی‌کنم این است که خطرناک است.

خطرناک: خطرناک زیرا شما گناه کردن و آوردن پشیمانی‌ها به رابطه‌تان را آسان می‌کنید. بایبل به ما می‌گوید که شیطان به صورت فعال به دنبال تشویق کردن ما به گناه کردن است. حتی با انگیزه‌های خوب و شایسته، همه‌ی ما لحظه‌هایی داریم که ضعیف هستیم. "بنابراین هرکس گمان می‌کند استوار است، مواظب باشد که سقوط نکند!" (اول قرنیتان ۱۰:۱۲). پس، عاقلانه است که حواسمان باشد که از موقعیت‌های خطرناک دوری کنیم، تا سپر‌هایی برای خودمان بسازیم، تا بین خودمان و وسوسه‌هایی که می‌خواهیم از آنها دوری کنیم فاصله ایجاد کنیم.

وقتی وارد تعهد ازدواج می‌شوید، با هم یک "نهاد جدید" می‌شوید. از آن روز به بعد، شما "همه چیز" را با هم شریک می‌شوید. سکس بخشی از آن "همه چیز" است. انتخاب این که آن "همه چیز" را (به غیر از سکس) قبل از ازدواج با هم شریک شوید، نه تنها خطرناک است بلکه در عین حال مصنوعی است. چرا روز عروسی را به عنوان شروع تغییر بزرگ زندگی انتخاب نکنیم؟ انتخاب کنید که میزان قابل توجهی از آن "همه چیز" را تا بعد از عروسیتان نگه دارید.

ازدواج واقعه‌ی بزرگ و شادی در زندگی شما، همسران و خانواده‌های هر دو است. اگر یک مسیحی هستید، روز عروسیتان را برای اعلام علنی تعهد و اوضحتان و تأیید نهاد ازدواج استفاده کنید. به صورت واضح و علنی جدا زندگی کنید تا روزی که عروسی کنید. و بعد از آن، به صورت واضح و علنی با هم زندگی کنید! نه به خاطر اینکه یک قانون است، بلکه چون می‌خواهید محتاط و عاقل باشید، چون می‌خواهید یک نمونه‌ی خوب برای کسانی که پشت شما هستند باشید، چون هر دو شما می‌خواهید که واضح و علنی نشان دهید که نهاد ازدواج را تأیید می‌کنید و گرامی می‌دارید. اگر به صورت واضح و علنی تا بعد از ازدواج جدا زندگی کنید، پیغامی مثبت می‌رسانید و کمک می‌کنید ارزش‌های پادشاهی خداوند توسعه پیدا کند.

بخش سوم: زمان عمل – "ساختن مکان" امن خود

حکمت خوب خداوند همیشه به عمل کردن فرمان می‌دهد. یا همانطور که بی‌پرده می‌گوید، "شما باید بر طبق کلام او عمل کنید و فقط با شنیدن خود را فریب ندهید!" (یعقوب ۲:۱). برای ما انسان‌ها اطاعت کردن سخت است. تسلیم خواست، عقیده‌ها و امیالمان به مسیحی‌ای خداوند می‌تواند برایمان یک کشمکش باشد. پدر آسمانی ما به دنبال چیزی فرای فرمانبرداری سرد و مکانیکی است. او به دنبال قلب ماست. او در فرزندانمان که او را دوست دارند، به او اعتماد می‌کنند و راغب برای انجام دستورات او هستند، خوشی می‌کند.



با دانستن اینکه پدر آسمانی ما همیشه بهترین را برای ما می‌خواهد، انتخاب می‌کنیم که از او اطاعت کنیم. با تصدیق اینکه بائبل کلام خداست، انتخاب می‌کنیم که تسلیم سلطه‌ی آن در زندگیمان شویم. البته، احساسات انسان، منطق و ملاحظات مالی مهم هستند. ولی آنچه که یک مسیحی را به سمت گرفتن تصمیمات واضح معین و ریشه‌ای می‌کشاند، فرمانبرداری عاشقانه از خواست آشکار خداوند است. تنها با این رفتار است که به خدا این اجازه را می‌دهیم که در شرایط مختلف ما حرف بزند. وقتی من از قبل تصمیمم را گرفتم که چه کاری را انجام بدهم یا ندهم، پس دیگر قلبم برای شنیدن صدای او باز نیست.

فقط به دنبال استدلال‌ها و مردمی هستیم که از آنچه تصمیم به انجامش گرفتم حمایت می‌کنند. ولی اگر برخورد ما صحیح باشد، آن وقت می‌توانیم منتظر سوالات مقدس خداوند باشیم: "خدا موقعیت اخیر مرا چطور می‌بیند؟" و "قدم بعدی من چه باید باشد؟" آیا فرمان زندگیت را به دست خداوند عیسی مسیح سپرده‌ای؟ آیا برخورد صحیح در برابر خدا و کلام او داری؟ این یک نقطه‌ی شروع ضروری است.

اگر ارزش انجام دادن داشته باشد، ارزش شروع کردن خوب را هم دارد!

اگر اخیراً به فکر زندگی مشترک هستید، با جدیت اصرار می‌کنم که این کار را نکنید! بیشتر کسانی که با هم زندگی می‌کنند و بعداً ازدواج می‌کنند موافق هستند که ازدواج از چندین جهت بهتر از زندگی مشترک است – به همین دلیل است که ازدواج کردند. پیوند ازدواج طراحی خوب خداوند برای بهتر کردن و مراقبت کردن از رابطه‌ی دراز مدت با کسی که دوستش دارید است. به دنبال نیکوترین خداوند بروید! زندگیتان را با هم، با ازدواج شروع کنید و نه با سکس گاه به گاه یا زندگی مشترک. این شروع یک فاز جدید و خیلی مهم و پایدار در زندگیتان است. انتخاب کنید که آن را خوب شروع کنید.

یک انتخاب واضح: اگر عاشق یکدیگر هستید و مقاومت در برابر تمایلات جنسی برایتان سخت است، راه حل بائبل نه سکس گاه به گاه و نه زندگی مشترک. برای لذت بردن از صمیمیت جنسی بدون آمیزش، "هر مردی باید زن خود را داشته باشد، و هر زنی شوهر خود را" (اول قرنیتان ۲:۷). پس کتاب مقدس دو گزینه‌ی واضح را پیشنهاد می‌کند:

- الف) ازدواج کنید – "اگر نمی‌توانید جلوی امیال خود را بگیرید، ازدواج کنید" (اول قرنیتان ۹:۷)، یا
 ب) فاصله‌تان را حفظ کنید – برای "گریختن از شهوترانی" (اول قرنیتان ۱۸:۶).

زندگی مشترک ممکن است که برخی سودهای مالی و عملی داشته باشد، ولی با اختلاف بهتر است که مبلغی خرج کنید و صبر کنید تا ازدواج کنید و از برکت خداوند بر رابطه‌تان لذت ببرید. درنامه‌ی به تسالونیکیان، پولس برای مسیحیان می‌نویسد: "خواست خدا این است که پاک باشید و از روابط نامشروع بپرهیزید... از هر نوع بدی دوری کنید" (اول تسالونیکیان ۴:۳ و ۵:۲۲). همانطور که قبلاً در اینبار بحث کردیم، با همسر آیندتان زندگی کردن، حتی بدون هیچ شکلی از صمیمیت‌های جنسی هم ناعاقلانه و هم خطرناک است. "پس شما باید دقت کنید که چطور زندگی می‌کنید، مثل اشخاص دانا زندگی کنید نه مثل نادانان... زیرا این روزگار، روزگار بدی است" (افسسیان ۵:۱۵-۱۶). از خداوند بخواهید که درها را باز کند. نیازهای حیاتی خود را با ایمانداران دیگر به اشتراک بگذارید. فعالانه به دنبال جایگزین‌های موقت برای نظام زندگیتان باشید.

صبر، پرهیز و خودداری: این‌ها اصول مهمی هستند که برای هم قبل و هم بعد از ازدواج مهم هستند. اگر صبر، پرهیز و خودداری قبل از ازدواج پرورش داده و تمرین شوند، به شما کمک می‌کنند که بعد از ازدواج از رابطه‌تان مراقبت کنید. انتخاب اینکه "یکجیم مخصوص" صمیمیت جنسی را تا روز عروسی بسته نگه دارید، خداوند را جلال می‌دهد و به آینده‌ی ازدواجتان قدرت می‌بخشد.

به یاد داشته باشید، لزومی ندارد که عروسی‌ها جشن‌های بزرگ و گران قیمت باشند. تعهد ازدواج به شکل ساده و با معنا هم می‌تواند برگزار شود. حلقه‌های عروسی، لباس سفید عروس، کت و شلوار داماد با کلاه ست، سالن زیبایی که آراسته شده ممکن است بخشی از رویای شما باشد - ولی تا موقعی که با بائبل هماهنگی دارد، همگی اضافی و اختیاری هستند. عروسی شما رویداد خیلی خاصی در زندگیتان است. ارزش صبر کردن برایش را دارد. موضع‌تان را مشخص کنید! به خوبی انجامش دهید! به خوبی شروع کنید!

سکس روح‌ها را به هم می‌پیوندد

صمیمیت جنسی گاه به گاه با یک دوست یا حتی یک هرزه، در ما اثر می‌گذارد. پیوند ماندگاری بین انسان‌ها ایجاد می‌کند (مثال سلیمان ۲۰:۵-۲۲ و اول قرن‌تینان ۱۶:۶). دانشمندان کشف کرده‌اند که با ارتباط فیزیکی و آمیزش جنسی هورمون‌های خاصی توسط مغز درون خون ما ترشح می‌شوند. در خانم‌ها، ترشح اکسی‌توسین (*oxytocin*) که آن را با کودکش، که در طول شیر خوردن نوک سینه‌هایش را تحریک می‌کند، و با شریک جنسی اش تجربه می‌کند، باعث افزایش پیوند اجتماعی می‌شود. به طور مشابه هورمون مهمی در مردان به اسم *واسوپرسین* (*vasopressin*) است که روی رفتار اجتماعی، میل جنسی و پیوند با جفتشان تاثیر می‌گذارد. آن چه واضح است این است که سکس انسان‌ها را از نظر جسمی به هم می‌پیوندد. وقتی بایبل می‌گوید که با ازدواج دو نفر "یک تن" (پیدایش ۲:۲۴) می‌شوند خیلی فراتر از لحظه‌های کوتاهی است که بدن‌های آن‌ها به صورت فیزیکی با آمیزش جنسی یکی می‌شود. سکس به صورت فیزیکی، انسان‌ها را به هم پیوند می‌دهد.

ولی سکس همچنین روح‌ها را با هم پیوند می‌دهد. به همین دلیل است که پولس رسول به خواننده‌های مسیحی اصرار دارد که "از روابط نامشروع بپرهیزید". همه‌ی گناهان دیگر که انسان مرتکب می‌شود خارج از بدن او هستند، ولی کسی که گناه جنسی می‌کند، برضد بدن خودش گناه می‌کند. "آیا نمی‌دانید که بدن شما معبد روح القدس است که در شماست و او را از خدا گرفته‌اید، و دیگر از آن خود نیستید؟ به بهایی خرید شده‌اید، پس خدا را در بدن خود تجلیل کنید." (اول قرن‌تینان ۲۰-۱۹:۶). شاید تا الان درگیر سکس قبل از ازدواج شده‌اید. اگر با کسی به صورت جنسی نزدیک هستید، روح شما به شکلی ناسالم و گناه‌آلود به آن نفر پیوند خورده است. این یک خبر بد است. خبر خوب این است که در نام عیسی مسیح قدرت هست تا تمام شکل‌های گناه‌آلود پیوند روح بشکند.

برای مسیحی توبه کار همیشه امید وجود دارد. خون عیسی به اندازه‌ی کافی قدرتمند است که ما را از تمام گناهان پاک کند. در برابر خداوند اقرار کنید که گناه کرده‌اید. به گناه جنسی خود اعتراف کنید و از او بخواهید که شما را ببخشد. عهده‌ی روز قلب خود در حضور خداوند ببندید که خود را از آن فرد (یا افراد) دور کنید، که یک زندگی پاک از روابط جنسی را تا روز عروسیتان ادامه دهید. عهد ببندید که از الان خدا را با بدن خود جلال دهید. بعد، در حضور خدا، به آن فردی که با او رابطه‌ی نامشروع داشتید اشاره کنید و در نام عیسی مسیح، آن پیوند روح را بشکنید. می‌توانید به این شکل دعا کنید:

"پدر، من تشخیص دادم که وقتی با جان/مارتا رابطه‌ی نامشروع داشتم تو را ناخشنود کردم و در برابر تو گناه کردم (و به آنچه که انجام دادید اعتراف کنید). با خلوص تمام از این گناه توبه می‌کنم و از تو می‌خواهم که مرا ببخشی و مرا پاک کنی. آمین"

و بعد از شکرگزاری از خداوند برای بخشش، به عالم روحانی چیزی شبیه به این را اعلام کنید: "در نام عیسی مسیح پیوند روحی که بین من و جان/مارتا وجود دارد را می‌شکنم". بعد از آن، اتفاقی در عالم روحانی می‌افتد. پیوند گناه‌آلود بین روح شما و روح آن پارتنر جنسیتان شکسته می‌شود - شما را می‌شوید؛ می‌توانید این پروسه‌ی توبه و پاک شدن را به تنهایی و یا با همراهی یک دوست مسیحی بالغ و یا رهبر مورد اعتماد کلیسای طی کنید. اگر به فکر ازدواج هستید ولی از لحاظ جنسی پاک نیستید، پیشنهاد می‌کنم که این پروسه‌ی توبه و پاک شدن را طی کنید. احتمالاً متوجه شدید که دو جسم تمیز بهتر به هم می‌چسبند. این کار اتحاد از دواج شما را قویتر خواهد کرد.

آنچه روشن است و آنچه که به روشن شدن نیاز دارد را جدا کنید

شاید شما برآستی در مورد شرایط فعلیتان گیج شده باشید. نظم دادن به فکرتان به شما کمک می‌کند. این که چه چیزی واضح است و چه چیزی نیاز به شفاف سازی دارد. آنچه واضح است این است که خواست خدا در مورد صمیمیت جنسی این است که باید در محدوده‌ی ازدواج جشن گرفته شود - و در نتیجه‌ی آن رابطه‌ی جنسی خارج از ازدواج اشتباه است. آنچه که همیشه واضح نیست این است که چه زمانی، زوج واقعا مزدوج می‌شوند.

میهم: گاهی وضعیت تاهل یک زوج روشن نیست - و این نیاز به روشن شدن دارد. برای مثال، یک زوج می‌توانند ازدواج کرده باشند ولی به دلایلی عروسی رسمی نگرفته باشند. برای این چنین زوج‌هایی خوب است که برای ثبت ازدواج اقدام کنند. خوب است که یک مراسم یا جشن مسیحی را برنامه ریزی کنند، اگرچه این برنامه، مراسم یا جشن باعث ازدواج زوج نمی‌شوند، بلکه تاییدی است بر ازدواجی که قبلاً انجام شده است. می‌دانم که در بین عوام بومی کلمبیا رسم بر این است که ازدواجشان را چند سال بعد ثبت کنند. اگر ادعا کنیم که تمام زوج‌های بومی کلمبیا تا زمان ثبت ازدواجشان

زندگی مشترک دارند، پوچ و بی معنی است. از نظر من زوج‌های این قوم، زمانی که در قوم خود با روش سنتی خود زن و شوهر خوانده می‌شوند با هم توسط خدا یکی می‌شوند. همان طور که می‌بینید، گاهی "زمان ازدواج" نیاز به تفکر دقیق و روشن شدن دارد.

شفاف: آنچه روشن است این است که سکس بین زوج‌ها قبل از "زمان ازدواج" اشتباه است. برای یک فرد مجرد اشتباه است که درگیر روابط جنسی مرتب و یا گاه به گاه باشد. اگر زوجی زندگی مشترک دارند و به طور جدی برای عروسی در هفته‌ها و ماه‌های آتی برنامه دارند هنوز مزدوج نیستند. سکس قبل از "زمان ازدواج"، سکس خارج از محدوده‌ی ازدواج است و در نتیجه غلط است. این اصل، واضح و روشن است.

انتخاب "لحظه‌ی ازدواج" - ازدواج دو مرحله‌ای

برخی زندگی مشترک و ازدواج را به عنوان شکل‌های معتبر و صحیحی از رابطه با هم برابر می‌دانند. اگرچه عهدی که در ازدواج هست، ازدواج و زندگی مشترک را در مقوله‌های متفاوتی قرار می‌دهد، ازدواج و زندگی مشترک در شکل با هم فرقی ندارند بلکه در ماهیت متفاوتند. در "لحظه‌ی ازدواج" خداوند زوج را در یک نهاد جدید متحد می‌کند - نه قبل و نه بعد از آن. ولی عروسی به خودی خود، می‌تواند به شکل‌های مختلف برگزار شود.

توسعه و پیشرفت در طول تاریخ باعث ارائه‌ی انواع مختلف جشن‌های عروسی در فرهنگ‌ها و کشورهای مختلف شده‌است. جالب است که در بیشتر فرهنگ‌ها "لحظه‌ی" هست که زن و مرد به عنوان زن و شوهر شناخته می‌شوند. بیشتر کشورهای غربی این گزینه را ارائه می‌کنند که زوج‌ها هم عروسی خودمانی و هم مذهبی داشته باشند. زوجی که علاقه دارند که ازدواج کنند، معمولاً باید اول به صورت قانونی با حضور یک مأمور دولت یا مسئول دفتر ثبت اسناد ازدواج کنند. چند ساعت یا روز یا هفته بعدتر، اگر بخواهند، می‌توانند عروسی مذهبی ای هم در کلیسا یا جای دیگر برگزار کنند. مگر اینکه یک کلیسا جواز رسمی ثبت ازدواج داشته باشد، که در غیر این صورت با این ازدواج "دو مرحله‌ای" عجیب روبرو هستیم. این ازدواج دو مرحله‌ای تعدادی سوال جالب را به وجود می‌آورد:

این ازدواج "دو مرحله‌ای" از کجا آمده است؟ در زمانهای بایبل آیین‌های عروسی متفاوتی در دسترس بود. یهودیان، رومیان، یونانی‌ها و مصری‌ها هر کدام سنت‌ها، روش‌ها یا شکل‌های خودشان را برای یکی کردن زوج در قالب ازدواج داشتند. دولت‌ها در آن روزها به زوج‌ها این اجازه را می‌دادند که شکلی از ازدواج را بسته به فرهنگشان انتخاب کنند. عروسی‌ها در زمان‌های بایبل رویدادهای اجتماعی بودند. حدود هزار سال پیش، کلیسای کاتولیک روم از قدرت و نفوذش بر دولت‌های سکولار اروپایی استفاده کرد تا پافشاری کند که تمام تولدها، عروسی‌ها و وفات‌ها باید در ساختمان کلیسا تحت رهبری کشیش ثبت شود. این قرار، تا زمان انقلاب فرانسه (۱۷۸۰-۱۸۸۰) ادامه داشت. در این زمان برای کاهش قدرت کلیسا قدرت بخشیدن به دولت سکولار، ناپلئون بناپارت توانایی به ازدواج در آوردن زوج‌ها و ثبت تولدها و وفات‌ها و ازدواج‌ها را از کلیسا گرفت و آن را به دولت داد. از آن زمان به بعد ازدواج "دو مرحله‌ای" را در تعدادی از کشورهای اروپایی داشته ایم. به همین دلیل است که ازدواج از نظر قانونی باید ابتدا توسط دولت انجام شود، و



بعد اگر زوجین خواستند، با مراسم مذهبی جشن بگیرند. در انگلستان، یک مأمور دولت در عروسی‌های کلیسا حضور دارد و یا کشیش، پاستور یا فردی دارای صلاحیت از کلیسا برای ثبت عروسی‌ها در دولت حضور دارد. تمام مسیحیان انگلیس از ازدواج "یک مرحله‌ای" برخوردارند. سالیان سال، کلیسای کاتولیک روم دین رسمی در بیشتر کشورهای لاتین آمریکا بود. دفتر‌های اسناد اجازه‌ی ثبت ازدواج مردم غیر کاتولیک را داشتند. امروزه مسیحی‌هایی که کاتولیک نیستند هم در این کشورها ازدواج "دو مرحله‌ای" دارند.

۲. **یک زوج چه زمانی واقعا متاهل محسوب می‌شوند؟** آیا یک زوج زمانی به ازدواج در می‌آیند که در دفتر اسناد ازدواجشان ثبت می‌شود و یا ساعت‌ها، روزها و هفته‌ها بعد که در کلیسا جشن می‌گیرند؟ این سوال خیلی مهمی است. البته که این خوب است که برکت خدا را بر ازدواجتان بخواهید. ولی، غیرمسیحی‌هایی که فقط در دفتر اسناد دولت ازدواج می‌کنند هم مانند مسیحی‌ها ازدواج کردند. زوج‌های مسیحی بیشتر از زوج‌های بی دین ازدواج نکردند! حواستان باشد که هیچ‌کجای بایبل دستورالعملی برای لزوم ازدواج مسیحیان در کلیسا یافت نمی‌کنیم. و در بایبل نمونه‌هایی هم از ازدواج مسیحیان در کلیسا پیدا نمی‌کنیم. باید حواسمان باشد که تفاوت بین آیین‌ها و سنت‌های مسیحی و مکاشفه‌ی خداوند را تشخیص دهیم. فقط آخری است که اقتدار دارد. ازدواج هدیه‌ی خداوند به بشریت است، نه فقط به کلیسا.

مگر اینکه دولتی عروسی در کلیسا را به رسمیت نشناسد، در آن صورت زوج تنها بعد از امضای برگه‌ای در دفتر دولتی از دواج قانونی می‌کنند. در برخی کشورها مثل اینجا، هلند، غیرقانونی نیست که یک کلیسا یا یک فرد مذهبی زوج را قبل از ازدواج قانونی‌شان زن و شوهر اعلام کند. بعد از رفتن به دفتر اسناد یا دفتر دولت، یک زوج به صورت قانونی ازدواج کرده‌اند. ولی در عمل، بیشتر مسیحیان/انتخاب می‌کنند که بعد از اینکه سوگند هایشان را در یک مراسم مسیحی یاد کردند خود را مزدوج در نظر بگیرند - در حضور خدا، دوستان و خانواده. این انتخاب آن‌هاست. من فکر می‌کنم که این انتخاب خوبی است. ولی یک زوج مسیحی همچنین می‌توانند/انتخاب کنند که در لحظه‌ای که برگه‌ی ازدواج را در دفتر دولت امضا می‌کنند، خود را مزدوج بدانند. در چشم خداوند، آن‌ها در همان لحظه درست مثل یک زوج غیر مسیحی به ازدواج در می‌آیند. ازدواج "دو مرحله‌ای" متأسفانه یک ابهام الکی را در مورد لحظه‌ی دقیق ازدواج ایجاد کرده است. اگر زوج به صورت علنی و واضح انتخابشان را برای "لحظه‌ی ازدواج" مطرح کنند این ابهام به سادگی از بین می‌روناز بین برود. خداوند هم بر انتخاب آن زوج صحنه می‌گذارد.

۳. نقش و عملکرد مراسم کلیسا چیست؟ اگر در کشوری زندگی می‌کنید که مراسم عروسی کلیسا را به رسمیت می‌شناسد، پس مراسم مسیحی یا رویداد کلیسا برای به ازدواج در آوردن زوج به کار می‌رود. اگر در کشوری زندگی می‌کنید که مسیحیان باید ابتدا سند ازدواج را در یک دفتر دولتی امضا کنند، پس بعد از امضا، مراسم مسیحی یا رویداد کلیسایی می‌تواند برای نشان دادن شروع آن اتحاد ازدواج به کار رود. در آن لحظه آن‌ها، در حضور خدا و شاهدان، وارد پیمان ازدواج می‌شوند. خداوند آن‌ها را به یک وجود بدل می‌کند. آن‌ها زن و شوهر می‌شوند. آن‌ها دیگر یک "مکان امن" ساخته اند. آن‌ها دیگر از حالا آزاد هستند که با هم زندگی کنند و اتحادشان را به کمال برسانند.

ولی اگر زوجی انتخاب کرده‌اند که خود را از لحظه‌ای که برگه را در دفتر دولتی امضا می‌کنند، زن و شوهر بدانند، آن‌ها به عنوان زوج از قبل ازدواج کرده و متاهل به مراسم کلیسایی و مسیحی می‌رسند. این می‌تواند روزها، هفته‌ها و ماه‌ها بعد عروسی غیر مذهبی و قانونی‌شان باشد. نقش مراسم مسیحی و کلیسایی در این مورد، به ازدواج در آوردن زوج نیست بلکه طلب کردن برکت خداوند بر ازدواجشان و جشن گرفتن آن است. جایی در دعوتنامه‌شان این را مشخص می‌کند. این دو مراسم کلیسایی چطور با هم متفاوتند؟ در شکل و "احساس" فرق چندانی ندارند. هر دو شامل لحظات خوش جشن گرفتن هستند. هر دو، شامل آهنگ‌ها، حرف زدن‌ها، دعاها، و حتی سوگندها هستند. ولی در مورد اول، مناجات نامه، مرد و زن را به ازدواج در می‌آورد و در مورد دوم، اتحاد ازدواج آن زوج برکت داده می‌شود.

به یاد داشته باشید که هیچ چیز عجیب یا اشتباهی در مورد تکرار سوگندهای عروسی وجود ندارد. در جلسات مشاوره‌ی مخصوص زوج‌های متاهل ما گاهی یک عروسی همگانی بازسازی می‌کنیم که در آن همه‌ی زوج‌های حاضر دعوت می‌شوند که سوگندهای ازدواجشان را مجدداً در برابر خدا و در برابر یکدیگر در حضور خدا و تمام حضار اظهار کنند. بعضی زوج‌ها ۵، ۳۰ یا شاید ۴۰ سال پیش ازدواج کرده‌اند. اقرار عمومی سوگندهای عروسی به اتحاد و تعهدشان به یکدیگر قوت می‌بخشد. ولی برای همه واضح است که ما کسی را در این جلسات به ازدواج در نمی‌آوریم. این درست نیست که بعد از سوگندها، بگوییم: "از الان ما شما را زن و شوهر اعلام می‌کنیم." ما فقط صحنه می‌گذاریم، برکت خداوند را می‌طلبیم و ازدواج‌هایی که قبلاً شکل گرفتند را جشن می‌گیریم. این شبیه آن چیز است که در مراسم کلیسا برای زوجی که تصمیم گرفته‌اند "لحظه‌ی ازدواجشان" در هنگام امضای سند در دفتر دولتی باشد، اتفاق می‌افتد.

صرف نظر از انتخاب شما برای شکل عروسی، هر ازدواجی یک "لحظه‌ی ازدواج" دارد. در هر مدل عروسی لحظه‌ای هست که زن و مرد توسط خدا و جامعه زن و شوهر در نظر گرفته می‌شوند، چه در مراسم مذهبی باشد و چه در مراسم غیر مذهبی. بعد از آن لحظه، دیگر از زندگی مشترک حرفی نیست بلکه صحبت از ازدواج است. صمیمیت جنسی قبل از آن "لحظه‌ی ازدواج" خلاف جهت خواست خدا برای رابطه‌تان حرکت می‌کند. در حالی که صمیمیت جنسی بعد از "لحظه‌ی ازدواج" توسط خالق تایید شده و مبارک است.

زندگی مشترک یک موضوع شخصی است - کلیسا نباید دخالت کند

از نظر برخی، زندگی مسیحی یک موضوع شخصی است و هیچ مسیحی‌ای در جایگاهی نیست که دیگری را قضاوت کند. خود عیسی مسیح می‌گوید: "قضاوت نکنید، تا شما نیز قضاوت نشوید" (متی ۷:۱). آیا هر مسیحی مسئول زندگی خودش نیست؟ همه‌ی ما گناهکاریم، پس چرا باید یک گناهکار، دیگری را قضاوت کند؟ وقتی خداوند عیسی مسیح به شاگردان خود گفت که قضاوت نکنید، به آن‌ها نگفت که "سرتان فقط به کار خودشان باشد". او می‌خواست طرز برخورد آن‌ها را وقتی به دنبال کمک یا تعلیم دادن به دیگران بودند اصلاح کند. بعد از اینکه او به شاگردانش گفت که قضاوت

نکنید، به آن‌ها گفت که چطور به یک برادر خطاکار کمک کنند. او گفت: "چرا پر کاهی که در چشم برادرت هست می‌بینی، ولی در فکر چوب بزرگی که در چشم خود داری نیستی؟ یا چگونه جرأت می‌کنی به برادر خود بگویی: اجازه بده پر کاه را از چشمت بیرون آورم. حال آنکه خودت چوب بزرگی در چشم داری. ای ریکار، اول آن چوب بزرگ را از چشم خود بیرون بیاور، آنگاه درست خواهی دید که پر کاه را از چشم برادرت بیرون بیاوری" (متی ۷: ۵-۷).



پر کاه در چشم چیز به درد بخوری نیست! در آوردنش می‌تواند دردناک باشد، ممکن است زمان ببرد، ولی حرکت مثبتی است. حرکتی دوستانه و از روی علاقه است. به نفع چشم و کل بدن خواهد بود. رد کردن آن بی مهری است. انجمن‌های مسیحی نباید نسبت به زوج‌هایی که درگیر رابطه‌ی جنسی خارج از ازدواج هستند بی‌تفاوت باشند. نباید اجازه داده‌شود که زندگی مشترک به یک شکل پذیرفته شده از رابطه‌ی قبل از ازدواج تبدیل شود. اگر اینچنین زوج‌هایی را دعوت به توبه کنیم روی مهربانی است. ما نباید انگیزه را قضاوت کنیم (۲ قرن‌تیا ۴: ۵)، بلکه رفتار را (اول قرن‌تیا ۱۲: ۵). هدف محکوم کردن نیست، بلکه شفا دادن است، از بین بردن چشم نیست، بلکه در آوردن پر کاه است تا اجازه دهیم چشم شفا یابد و به حالت طبیعی اش برگردد - و این به نفع چشم و کل بدن است.

اخیرا زندگی مشترک دارید؟

شاید در حال حاضر زندگی مشترک دارید و دارید برای ازدواج در آینده برنامه‌ریزی می‌کنید - شاید به زودی. شاید زندگی مشترک را بدون اینکه بدانید که راه خداوند نیست، انتخاب کردید. شاید فکر می‌کردید که اشتباه جدی ای نیست پس به همین دلیل انجامش دادید. توبه و بازگشت، موافقت با خدا را در بر دارد. شما الان دیده‌اید که صمیمیت جنسی توسط خدا تنها در قالب یک تعهد ازدواج بین یک مرد و زن تایید شده و مبارک است. با هم در حضور خدا تشخیص دهید که راه اشتباهی را شروع کرده‌اید. همانند هر گناه دیگری، زندگی مشترک هم می‌تواند بخشیده شود. پولس رسول بر ایمانداران کولسی اصرار داشت، "پس به گناهان این دنیا نزدیک نشوید؛ هوسهای ناپاک را که در وجودتان کمین می‌کنند، نابود سازید؛ هرگز خود را با گناهانی چون بی‌عفتی، ناپاکی، شهوترانی و هوس‌های ننگین دیگر الوده نکنید". (کولسیان ۳: ۵) نابود کردن به معنی "توبه کردن و متوقف کردن" است! راه بازگشت به خشنود کردن پدر آسمانی با تشخیص دادن اینکه او راست است و ما اشتباه می‌کنیم، شروع می‌شود. این، نیازمند متوجه شدن خطاکاری و اقرار گناه است. با توبه‌ی واقعی، تغییری در رفتار ما ایجاد می‌شود، و آن، روی برگرداندن از کارهایی است که "شایسته‌ی مقدسین خدا نیست" (افسیان ۵: ۳).

من شدیداً پیشنهاد می‌کنم اگر ممکن است، جدا شوید و در خانه‌های جدا زندگی کنید و تنها بعد از اینکه ازدواج کردید با هم برگردید. به طور مثبت از این زمان برای تامل کردن، عمیق شدن ایمانتان، رشد کردن و نزدیک شدن به خداوند استفاده کنید. معمولاً نیمی از زوج‌ها زندگی مشترک را اشتباه نمی‌دانند یا برای اصلاحات بی‌میل هستند. ولی با این حال اصلاحات ضروری هستند ولی دردناک خواهد بود. ما هرکدام فرد به فرد برابر خدا می‌ایستیم. ما انسان‌ها، "هرکدام"مان در برابر خداوند برای کارها و انتخاب‌های زندگی‌مان حساب پس خواهیم داد (دوم قرن‌تیا ۱۰: ۵). بلکه، فرمانبرداری در این زمینه ممکن است نامناسب باشد، ممکن است تحقیرآمیز یا خجالت آور باشد، ولی قطعاً ارزشمند است. میل شما به پرداخت بهای اطاعت از خداوند تأثیر خوبی در قلبتان می‌گذارد. اطاعت از خداوند ازدواج شما را قدرتمند می‌کند. اطاعت، سبب جاری شدن برکات خداوند در زندگی‌تان می‌شود!

زندگی مشترک طولانی مدت؟

تنوع زیادی در شرایطی که منتهی به زندگی مشترک می‌شوند وجود دارد. شاید شما اخیراً مسیحی شدید و به دنبال "سر و سامان دادن زندگی‌تان" برای اینکه خداوند را خشنود کنید هستید. اگر سال‌هاست که با هم زندگی می‌کنید، پاسخ دادن به سوال "خداوند شرایط فعلی مرا چطور می‌بیند؟" همیشه ساده نیست. شما هنوز به صورت رسمی ازدواج نکردید ولی با این حال ممکن است مسئولیت‌های زناشویی را داشته باشید. شما نمی‌توانید به راحتی رابطه را قطع کنید و به دنبال دیگری باشید. با تشخیص دادن اینکه دانسته یا ندانسته از در اشتباه وارد این رابطه شدید، شروع کنید. این را به خداوند اقرار کنید و به دنبال بخشش او باشید. بعد به رسمی کردن رابطه با ازدواج کردن اقدام کنید - هر چه زودتر بهتر.

پس، ممکن است بپرسید که قدم بعدی چه خواهد بود؟ بعد از قبول کردن و اقرار کردن گناه، اقدام‌های بعدی به سمت ازدواج می‌تواند بسته به شرایط شما بسیار متفاوت باشد. برخی زوج‌ها انتخاب می‌کنند که برای چند هفته یا چند ماه از هم جدا شوند، عروسیشان را ترتیب دهند، و بعد دوباره با هم برگردند. برای زوج‌های صاحب بچه‌های کوچک، این گزینه آگاهانه نیست. زوج‌های دیگر انتخاب می‌کنند که در تخت‌های جدا بخوابند یا از صمیمیت جنسی تا روز عروسیشان دوری کنند. شاید برخی کارها و راه‌حل‌های دیگری هم به ذهن شما برسد. اما هنوز، بهتر این است که از خداوند بخواهید که به شما ایده بدهد و شما را هدایت کند. کورکورانه به دنبال آنچه دیگران انجام می‌دهند نباشید. میل عمیق شما این است که خداوند را با زندگی‌تان جلال دهید. من معتقدم روح القدس، که در وجود شماست، به نحوی به شما نشان خواهد داد که قدم بعدی شما چه باید باشد. شما باید مایل به اطاعت از خداوند، مایل به پرداخت بهای آن، و پذیرای هدایت روح القدس باشید. "اگر روح خدا منشأ زندگی ماست، او هم باید هادی زندگی ما باشد" (غلاتیان ۵: ۲۵). با شهامت باشید و اصلاحات را انجام دهید.

یک نمونه‌ی مشوق

ویک (Vic) و مالو (Malu) زمانی که پا به زندگی مسیحی گذاشتند، با هم زندگی می‌کردند. وقتی که علاقه‌شان به تعمید گرفتن را مطرح کردند، ما از فرصت استفاده کردیم که آن‌ها را در خانه‌شان ملاقات کنیم و آموزش‌های کتاب مقدس را در خصوص تغییر (منظور تبدیل شدن از فرد گناهکار قبلی به فرد تازه متولد شده)، الهیت عیسی مسیح و همچنین ازدواج را با آن‌ها مطرح کنیم. آن‌ها درک کردند که زندگی مشترک راه خداوند نیست. حالا چه باید می‌کردند؟ ما آن‌ها را به دعا کردن و دریافتن هدایت روح القدس در این باره تشویق کردیم. در روز تعمید ویک، او پرسید آیا امکانش هست که یک نامه را در حضور کلیسا بخواند - حدوداً ۳۰۰ شاهد. ما پذیرفتیم. نامه به شرح زیر بود:

برادر و خواهرهای عزیزم

امروز من تعمید خواهم گرفت. ممنونم که این لحظه‌ی خاص را با من سهیم شدید. قبل از اینکه برکت خداوند را دریافت کنم، می‌خواهم چیزی را با شما به اشتراک بگذارم: همانطور که برخی از قبل می‌دانستند، من و مالو برنامه داریم که در ظرف ۴ ماه عروسی کنیم. مشتاقانه منتظر فرارسیدن این روز خاص هستیم. حقیقت این است که من و مالو قبلاً با هم زندگی می‌کردیم - رابطه‌مان را به شکلی متفاوت از آنچه خواست خداوند برای ما بود شروع کردیم. روابط جنسی و ازدواج با هم همراه هستند اما ما خودخواهانه لذت جنسی را قبل از زمان مقرر انتخاب کردیم. الان ما می‌دانیم که این انتخاب صحیح نبود. ما برنامه‌ریزی کردیم که به زودی ازدواج کنیم. ما می‌خواهیم به تمام جوانان این کلیسا بگوییم که: "تسلیم امیال جنسی نباشید... خیلی‌ها اشتباهی که ما هم کردیم را مرتکب می‌شوند. خیلی‌ها در آخر تنها شدند، ناکام ماندند و تکه‌ای از خودشان را پشت سر گذاشتند. از اشتباهات ما درس بگیرید، زیرا همه‌ی داستان‌ها پایان خوش ندارند" دو ماه پیش، خداوند ما را متقاعد کرد که زندگی مشترک غلط است. از آن به بعد، من و مالو سوگند خوردیم که تا روز عروسی رابطه‌ی جنسی را متوقف کنیم و جدا از هم بخوابیم. ما باور داریم که خداوند ما را بخشیده است و ما منتظر روز عروسیمان هستیم: یک عروسی با حضور خداوند در قلب‌ها و در زندگیمان. عروسی-ای که در آن، دوعاشق با هم یکی خواهند شد. خواهرها و برادران برایمان دعا کنید.

چه شهادت واضحی بود از آنچه که خداوند در زندگی این نوایمانان انجام داده است! کلام آن‌ها پیام بسیار محکم و مثبتی را به تمام حضار رساند. این یک قالب برای تمام شرایطها نیست. اگر اخیراً در زندگی مشترک هستید، خداوند شما را راهنمایی خواهد کرد تا همه چیز را به شکل صحیح درآورید. چیزی که من درباره‌ی شهادت آن‌ها دوست دارم، شناخت شفاف آن‌ها از اشتباه و قدم‌های بعدی آن‌ها برای درست کردن همه چیز است.

اطاعت از خداوند یا دولت؟

کلیسای کاتولیک روم ازدواج‌های محضری را تصدیق نمی‌کند. ناپلئون را نادیده می‌گیرد! همچنان ازدواج را یک آیین دینی که تنها یک کشیش کاتولیک می‌تواند آن را به جا آورد به حساب می‌آورند. بیشتر مسیحی‌های غیرکاتولیک از قدیم ازدواج‌های محضری را به عنوان ازدواج‌های معتبر پذیرفته‌اند. بخش‌هایی از کتاب مقدس هست که به شدت مسیحیان را تشویق می‌کند که به قوانین حکومت احترام بگذارند. تا نیم قرن پیش، سیستم قانونی در بسیاری از کشورها تا حد زیادی هماهنگ با کتاب مقدس بود. ولی همه چیز به سرعت در حال تغییر است. الان دولت، با طلاق و ازدواج مجدد تحت شرایطی موافقت می‌کند در حالی که بائبل آن‌ها را نمی‌پذیرد. در حال حاضر دولت برای ازدواج زوج هم جنس هم گواهی ازدواج صادر می‌کند. گاهی دولت، ازدواجی را که بائبل منع نمی‌کند، منع می‌کند. اگر حکومتی، کار غلطی را خوب و

قانونی اعلام می‌کند، آن کار همچنان غلط باقی می‌ماند. امروزه کلیساهای مسیحی‌ای که خواستار وفادار ماندن به کلام خدا هستند به شفافسازی و جدیت رسولان نیاز دارند که زمانیکه مجبور به انتخاب بین خدا و دولت می‌شدند پاسخ می‌دادند: "شما خود داورى کنید، کدام در نظر خدا درست است، اطاعت از شما یا اطاعت از خدا؟" (اعمال رسولان ۱۹: ۴). شرایط خاصی خواهد بود که دولت می‌گوید "این زوج به ازدواج در آمده‌اند" و کلیسا باید بگوید "نه، آن‌ها مزدوج نیستند" - و گاهی بر عکس.

می‌تواند پیچیده باشد! کلیسا می‌تواند به شما کمک کند.

زندگی در این دنیای شکسته گاهی می‌تواند خیلی پیچیده باشد. برای بیشتر زوج‌ها، رهنمون‌های کتاب مقدس که آن‌ها را در این کتاب با هم اکتشاف کردیم نسبتاً واضح است. آنچه لازم است، فرمانبرداری فروتنانه از خواست آشکار خدا است. ولی ما انسان‌ها متقاعد شده‌ایم که گاهی پیدا کردن کاربرد درست قوانین و اصول آشکار خداوند می‌تواند بسیار سخت باشد. در چنین شرایطی، من پیشنهاد می‌کنم که به دنبال کمک و راهنمایی رهبرهای بالغ و باتجربه‌ی کلیسایتان که بر پایه‌ی بایبل زندگی می‌کنند، باشید. برای روشن کردن منظوم، به مثال‌های زیر که در زندگی واقعی اتفاق می‌افتند توجه کنید:

- پارتنر بی ایمان: زنی بعد از ۲۵ سال زندگی مشترک ایمان‌دار می‌شود. او ۳ فرزند بزرگ با پاتنرش دارد. پارتنر او مسیحی نیست، او عاشق این خانم و بچه‌هایشان است. این خانم عاشق پارتنرش است و می‌خواهد با او ازدواج کند. پارتنر او به رابطه‌شان متعهد است ولی به دلایل شخصی نمی‌خواهد که ازدواج قانونی کند. آیا این زوج از چشم خداوند با هم مزدوج هستند، اگرچه هنوز به صورت رسمی ازدواجشان را ثبت نکرده‌اند؟ ما چگونه می‌توانیم به عنوان یک کلیسا در این شرایط کمک کنیم؟
- جهیزیه‌ی بیش از حد: یک زوج آفریقایی مسیحی در بیست و چند سالگی عاشق هم هستند و آرزو دارند با هم ازدواج کنند. ولی خانواده‌ی دختر در خواست چنان مهریه‌ی زیادی کردند که پسر باید سخت تا ۴۰ سالگی کار کند تا بتواند پول کافی را به دست آورد. آیا مسیحیان باید چنین سنت‌هایی را بشکنند؟ ما به عنوان کلیسا چگونه می‌توانیم در این شرایط کمک کنیم؟
- جمع‌آوری مدارک: معمولاً برخی مدارک شخصی برای ازدواج قانونی نیاز است. بعضی یکی از مدارک خواسته شده غیرقابل دسترس است - مثلاً دفتر ثبت اسناد در یک ناحیه‌ی جنگی واقع است یا سوخته است. گاهی فردی قصد ازدواج دارد اما برگه‌ی طلاق مربوط به ازدواج قبلیش، به علت بی‌کفایتی‌ها، هزینه‌ها و دلایل فنی، سال‌ها طول می‌کشد تا تکمیل شود. ما به عنوان کلیسا چه کمکی می‌توانیم در این شرایط کنیم؟
- محدودیت‌های قانونی: یک مهاجر غیرقانونی از، مثلاً، روسیه اجازه ندارد با یک آلمانی ازدواج کند. ولی بایبل ازدواج بین یک روس و آلمانی را منع نمی‌کند. ما به عنوان کلیسا چگونه می‌توانیم در این شرایط کمک کنیم؟

اگر شرایط شما ساده است آن را پیچیده اش نکنید. صبور باشید. فروتنانه از رهنمودهای خوب و عقاید الهی خداوند اطاعت کنید. گرچه اگر در حال حاضر در شرایط پیچیده‌ای هستید به شما پیشنهاد می‌کنم که تلاش نکنید خودتان آن را حل کنید. به دنبال کمک و حمایت از مسیحیان آگاه و با تجربه باشید. از این‌ها گذشته، رهبران کلیسا "بر جان‌های شما پاسبانی می‌کنند و باید حساب پس دهند" (عبرانیان ۱۷: ۱۳). من معتقدم که خداوند برای قلب فروتن و توبه‌کننده همیشه راهی برای خروج نشان می‌دهد. هیچ موقعیت غیرممکنی وجود ندارد که یک مسیحی محکوم به "زندگی در گناه" باشد. وقتی صداقت، اعتماد، بخشش، صبوری و فیض در کار باشد، من مطمئن هستم که خداوند شما و رهبران کلیسایتان را هدایت خواهد کرد تا راهی را پیدا کنید. شرایط پیچیده، گاهی نیازمند راه‌حل‌های منحصر به فرد و نامأنوسی از فیض هستند، ولی قطعاً او راهی را پیش رویتان خواهد گذاشت و کار کلیسا این است که به شما کمک کند که آن را پیدا کنید.

اقرار علنی؟ نظم و ترتیب کلیسا؟

آیا گناه باید حتماً در ملاء عام در برابر کلیسا اقرار شود؟ آیا گناه‌های مربوط به روابط جنسی و زندگی مشترک قبل از ازدواج سبب می‌شوند که کلیسا با آن‌ها برخورد کند؟ احتمالاً می‌دانید که احکام و رسم‌ها در بین جوامع کلیساهای مختلف متنوع هستند. درک من از کتاب مقدس مرا به این سو هدایت می‌کند که نتیجه بگیرم که کلیسا باید از آن‌هایی که خود را مسیحی خطاب می‌کنند اما همچنان به زندگی گناه‌آلود خود ادامه می‌دهند فاصله بگیرد. (اول قرن‌تینان ۹: ۵-۱۱). چنین افرادی باید از دایره‌ی محافظت و امتیازات اجتماع مسیحی خارج شوند. باید از آنها خواسته شود که دیگر در مراسم شام خداوند شرکت نکنند. اما وقتی که یک زوج به طرز زندگی گناه‌آلود خود پی

می‌برند، به گناهشان در برابر خداوند اعتراف می‌کنند، و می‌خواهند در حد توان همه چیز را درست کنند، کلیسا باید آن‌ها را غرق در محبت، فیض و نهایت حمایت بکند. همانند پدر برای پسر گمشده، ما هم وقتی که یک همکیش به خطای خود پی می‌برد و به خانه باز می‌گردد خوشی می‌کنیم.

اقرار علنی: عهد خداوند با مسیحی توبه‌کننده واضح است؛ "اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، او که امین و عادل است، گناهان ما را می‌آمرزد و از هر نادرستی پاکمان می‌کند" (اول یوحنا ۹: ۱). در حضور چه کسی لازم است به گناهانمان اقرار کنیم؟ وقتی گناه می‌کنیم، به خداوند توهین می‌کنیم. پس وقتی توبه می‌کنیم، باید همیشه در برابر او گناهانمان را اعتراف کنیم، و بخشش پدرا نهی او را دریافت کنیم. ولی گاهی گناهان ما دیگران را هم تحت تاثیر قرار می‌دهد. وقتی پسر گمشده گناه کرد، در برابر خدا و پدرش گناه کرد. زمان توبه، گفت: "پدر، من در برابر خدا و در برابر تو گناه کردم" (لوقا ۲۱: ۱۵). ما باید گناهانمان را به خدا و همچنین کسانی که تحت تاثیر گناهان ما قرار گرفتند اعتراف کنیم. اعتراف علنی در حضور کل کلیسا تنها زمانی ضروری است که آن گناه به تمام کلیسا صدمه زده باشد و یا روی آن‌ها اثر گذاشته باشد. آموزش‌هایی که خداوند عیسی مسیح در خصوص چگونگی برخورد با کسی که در برابر شما گناه کرده است بر این اصل تاکید می‌کند که مشکلات باید در مقیاس کوچک حل شوند. اگر بعد از تلاش‌های مکرر خطاکار اصلاح نشد، آن وقت کل کلیسا باید دخیل شوند - ولی این آخرین مرحله در شرایط حاد است (متی ۱۵: ۱۸-۱۷). مقدس زندگی کردن مهم است، ولی من معتقدم که ترس و شرم ابزارهای بیهوده‌ای برای بهبود زندگی مقدس در کلیسا هستند. ترجیح من این است که تشویق کردن به زندگی مقدس داشتن را با تغییر دادن ذهن‌ها از طریق آموزه‌های خوب و متعادل کتاب مقدس، بیشتر کردن عشق و سرسپردگی برای عیسی مسیح انجام دهم، آن هم با یادآوری شگفتی عیسی مسیح، و با ترویج دادن فضای پر از فیض و بخشش - که در آن روح القدس بتواند میوه‌های خود را در هر ایمان داری به ثمر آورد (رومیان ۱: ۱۲-۲؛ عبرانیان ۱: ۱۲-۲؛ غلاتیان ۲۳-۲۲: ۵)

مقصود از اصول در کلیسا چیست؟ اگر بخواهیم خانواده و کلیساهای سالم داشته باشیم، نظم و انضباط بسیار ضروری است. اصول مختلف برای انضباط کلیساها به منظور مجازات ایمانداران نافرمان داده نشده‌اند. عیسی مسیح مجازات ما را روی صلیب به دوش گرفت. گناهان ما نیاز به مجازات مجدد ندارد. قربانی مسیح کامل است. اصول انضباطی کلیسا برای تنبیه داده نشده‌اند بلکه الف) برای کمک به خطاکار است تا در مورد جدیت گناهش فکر کند، ب) برای تشویق خطاکار به قبول کردن گناهش و توبه از آن است، ج) برای محافظت از خطاکار در برابر مشارکت بی‌میل و بدون ارزش در برنامه‌های مختلف کلیسا است، د) برای مراقبت کردن از اعضای کلیسا در برابر آموزش بد و یا نمونه‌ی بد است، با توجه به اینکه "اندکی خمیرمایه می‌تواند تمامی خمیر را ور آورد" (اول قرنتیان ۵: ۶). اگر یک ایمان دار با فروتنی گناه خود را دیده و توبه کرده باشد، پیشنهاد من این است که دیگر اصول تنبیهی کلیسا ضروری و قابل اجرا نیست. برخی محدودیت‌ها می‌تواند برای زمان دادن به رشد در پایداری و ایجاد اعتماد متقابل مناسب باشد.

نتیجه

صمیمیت جنسی پکیج زیبایی است که خداوند طراحی کرده است تا از آن فقط بعد از ازدواج لذت برده شود. در بایبل، ازدواج به عنوان یک تعهد ارائه شده است. محکم ترین شکل تعهد بین دو طرف. عهدها، محتوی، سوگندها و آغاز روشنی دارند. عهدها، به آوردن پایداری و امنیت به روابط و جامعه کمک می‌کنند. عهد ازدواج یک "محیط امن" برای عشق، سکس و تربیت فرزندان ایجاد می‌کند.

این یک توقع متعارف در کتاب مقدس است که هر دو نفر زوج تا "لحظه‌ی ازدواج" باکره بمانند، زمانی که عهد تصویب می‌شود، زمانی که خدا آن دو نفر را یکی می‌کند، زمانی که مالکیت بدن‌ها از "مال من" به "مال ما" تغییر می‌کند. این در حین مراسم کلیسا یا دیگر مراسم خاص فرهنگی رخ می‌دهد - در کشورهایی که دولت این مدل عروسی‌ها را به رسمیت می‌شناسد. در کشورهایی که ازدواج "دو-مرحله‌ای" وجود دارد، زوج‌های مسیحی اول به صورت قانونی با امضا کردن کاغذهایی در دفاتر دولتی ازدواج می‌کنند و سپس، اگر بخواهند، می‌توانند مراسم و جشن مسیحی داشته باشند. "لحظه‌ی ازدواج" آن‌ها یا در دفتر ثبت اسناد یا در جشن مسیحی که می‌گیرند خواهد بود. این انتخاب آن‌ها است. هر عمل جنسی قبل از "لحظه‌ی ازدواج" و در نتیجه خارج از "محیط امن" به طرح خداوند برای ازدواج آسیب می‌زند. صمیمیت جنسی گاه به گاه قبل از ازدواج و زندگی مشترک همراه با سکس که قبل از "لحظه‌ی ازدواج" است هم، سکس خارج از ازدواج محسوب می‌شود. این هم اشتباه است.

اگر زندگی مشترک را در نظر دارید، لطفا این کار را نکنید! خداوند چیز خیلی بهتری برایتان دارد. درست شروع کنید! اگر اخیراً زندگی مشترک دارید، بدانید که در مسیر اشتباهی هستید. خطایان را قبول کنید، به دنبال بخشش خداوند باشید و بلافاصله به مسیر درست بازگردید. اگر صادقانه خواستار خشنود کردن خداوند هستید، او به شما راهی را نشان خواهد داد و به شما قدرت راه رفتن در آن راه را نیز خواهد داد.

"محیط امن" ازدواج توسط خداوند برای لذت و بهره‌ی انسان طراحی شده است. عهد ازدواج بازدارنده‌ی لذت نیست بلکه فزاینده و محافظ آن است. به خدا اعتماد داشته باشید. صبور باشید، خوددار باشید، ریشه‌ای و عمیقاً مسیحی باشید. اطاعت از طرح خداوند همیشه منجر به برکت می‌شود.

شهادت مترجم:

می‌خواستم این بخش را هم در سخن مترجم مطرح کنم ولی حس کردم مثل تعریف کردن موضوع فیلم برای کسی قبل از دیدن آن است. به همین علت آن را در صفحه‌ی آخر گنجاندم. ترجمه‌ی این کتاب بیست و هفت صفحه‌ای به طرز عجیبی خیلی طول کشید انگار ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کار بودند که این ترجمه کامل نشود! ولی حتی این هم برنامه‌ی خدا بود چون در همین حینی که این کتاب را ترجمه می‌کردم، خداوند محتوای این کتاب را به صورت عملی و عینی به من آموزش داد. اگر بخوایم روراست باشم، وقتی این کتاب را ترجمه می‌کردم تا حدی با نویسنده موافق بودم ولی در بعضی موارد با خودم می‌گفتم: "نه بابا! دیگه اینطوری هم نیست، داریم تو قرن ۲۱ زندگی می‌کنیم، آخه مگه میشه آدم عاشق کسی شه ولی بهش دست نزنه؟" حدود ۲ ماه پیش من با پسری دوست شدم و بیش از اندازه‌ای که تصورش را کنید عاشقش بودم، کاملاً مطابق ایده‌آل‌هایم بود، و وقتی مطمئن شدم که مسیحی هم هست حس می‌کردم "خودشه"! رابطه‌مان کمتر از یک ماه طول کشید. طبق تعریفم از قرن ۲۱، مشکلی با صمیمیت‌های جنسی نداشتم ولی همزمان طبق تعریفی که از زنا در ذهنم داشتم، سکس برایم خط قرمز بود. وقتی این رابطه به دلایلی تمام شد دقیقاً یک ماه روز و شب گریه می‌کردم. حس می‌کردم تکه‌ای از وجودم را پیش او جا گذاشتم. آنقدر حالم بد بود که همه فکر می‌کردند رابطه‌ی ۵ ساله را تمام کردم. مدت رابطه مهم نیست. مهم این است که من روحم با او یکی شده بود، با کسی که هیچ گارانتی‌ای برای ماندنش نبود. چطور روحم را باید از او پس می‌گرفتم؟ مگر دست خود من است؟ قدرتی ماورای قدرت یک انسان را لازم داشت. بارها از خدا خواستم که روح او را از روحم بکند ولی خیلی درد داشت خیلی عمیق بود؛ تا اینکه یک روز که از دعا کردن بی ثمر خسته شده بودم زانو زدم و از خدا با فریاد کمک خواستم؛ خدا صدایم را شنید، کمک کرد، بالاخره از قلبم و وجودم رفت، بالاخره تمام شد،... وقتی بعد یک وقفه‌ی طولانی که در ترجمه‌ام افتاده بود آن را ادامه می‌دادم، تک تک کلمات این کتاب برابم بامعنا شده بود. حالا کاملاً متقاعد شده بودم که رابطه‌ی جنسی بالاترین درجه‌ی به اشتراک گذاشتن عشق و یکی شدن روح و بدن دو نفر است. تنها، کسی لایق شریک شدن در روح شما را دارد که عهد ببندد و سوگند بخورد که تا مرگ با شما خواهد بود؛ کسی که عهد ببندد که شما را منتظر نگذارد، گریبان پشت در رها نکند، کسی که هر لحظه ترس از دست دادنش را نداشته باشید و بدانید که "مال خود خودمه"؛ کسی که با تمام وجود به شما عشق دهد؛ کسی که خدا او را با شما یکی کند. این فرد لایق روح شماست. اگر متاهل هستید امیدوارم خداوند به رابطه‌تان برکت دهد و هر روزتان از عشق مملو باشد. اگر مجرد هستید منتظر باشید، قطعاً خدا کسی را برایتان در نظر دارد و مطمئن باشید خداوند بهترین‌ها را هدیه می‌دهد.

ژانویه ۲۰۲۰